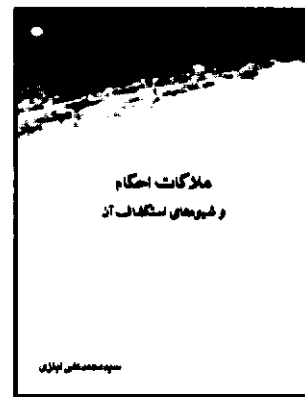


## معرفی های اجمالی

ملاکات احکام و شیوه های استکشاف آن، سید محمد علی ایازی، چاپ اول، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۶۱۶ ص.



بررسی علیت و ملاکات احکام و جستجو برای دستیابی به نظریه های اساسی شریعت علی رغم پیچیدگی و حساسیت آن، یکی از دل انگیزترین و شیرین ترین پژوهش های فلسفه فقه است. در میان دانشوران شیعی کمتر کسی را می توان یافت که مستقلاً به این موضوع پرداخته باشد. اصولیان قدیم هم که بحث قیاس را مطرح و در مواردی از آن انتقاد کرده اند، به بحث علیت و موارد حجیت و عدم حجیت آن نپرداخته اند، حتی مواردش را هم مشخص نکرده اند تا بخواهند درباره تعیین ملاک های آن سخن بگویند، در حالی که همه موارد قیاس در بین شیعه ممنوع نیست و از قیاس منصوص العله و قیاس اولویت با شرایطی در جای جای فقه بهره برداری شده یا استفاده از برخی راه های کشف علت مانند تنقیح مناط و الغای خصوصیت در بین کلمات فقها از دوران های بسیار دور تا عصر حاضر رایج است.

این بی توجهی و تأثیر ملاکات احکام نگارنده را واداشته است امکان اکتشاف ملاک را به صورتی منتهی و جزئی و شیوه های استکشاف ملاکات را در چهار فصل به شرح زیر مورد بررسی قرار دهد:

فصل اول با عنوان سیر و تاریخچه بحث ملاکات: به جایگاه موضوع، توضیح مفاهیم و واژه های مطرح، سیر و تاریخچه بحث ملاکات در بین اهل سنت و شیعه و بیان نمونه ای از مباحث آن و تحولات که تا به امروز یافته می پردازد، مثلاً مؤلف در چرایی توضیح مفاهیم می نویسد بیان مطالب با تعبیرهای فنی و علمی نیازمند توضیح مفاهیم مورد بحث و مفاهیم مربوط موضوع است تا روشن شود نسبت هریک از این مفاهیم با هم چیست و چه تفاوت هایی با هم دارند که هم جنبه مفهومی دارد و هم جنبه کلامی مفهومی، لازم به توضیح است که مقاصد و اهداف، سد ذرایع، مصالح، علت، سبب، حکمت، مناسبت، مناط، ملاک و قیاس چیست و هر کدام چه فرقی هائی با هم دارند و در پی تاریخمند بودن برخی مفاهیم سخن می راند که بعضی از مفاهیم مانند قیاس طی ادوار تاریخی تحول یافته و ممکن است عده ای با مفهوم آن به طور کامل و در همه موارد آن با گاهی با پندارهای متفاوت برخورد کنند و عده ای آن را روشی برای استنباط می دانند، عده ای یکی از منابع و عده ای نفس قیاس را عمل و اجتهاد می شمارند. یا در تاریخچه بحث ملاکات آورده، اهل سنت از قدیمی ترین جریانات دینی و مذهبی اند که درباره فلسفه احکام و ملاکات و مباحث نظری آن مانند قیاس بحث کرده اند و از افرادی چون ابو عبدالله محمد بن علی ترمذی، ابوبکر ابهری، ابوبکر باقلانی، امام الحرمین جوینی نام می برد که به تألیف اثری در این باب دست زده اند (ص ۵۲-۵۷).

نقطه عطف بحث ملاکات احکام در میان اهل سنت را کتاب المواهقات شاطبی می داند و این کتاب به حدی اهمیت می یابد که مؤلف آن را امام المقاصد می نامند (ص ۵۵).

و گوشزد می کند بدون معرفی کتاب حجة الله البالغة اثر دانشمند بزرگ هندی، شیخ احمد شاه ولی الله دهلوی بحث در خصوص تاریخچه ملاکات را ناکامل می داند؛ این کتاب به بیان اسرار احکام و حلال تکالیف می پردازد و وابستگی احکام به مصالح را اجماعی می داند.

نگارنده جهت تکمیل تاریخچه بحث ملاکات بحث فلسفه و تعلیل میان شیعیان در بستر آموزه‌های اهل بیت پیامبر را پیش می‌کشد و می‌گوید مؤلفین شیعه از قرن‌های دوم و سوم - عصر اصحاب ائمه (ع) - درباره علل احکام کتاب‌هایی نوشته‌اند، عمده این کتاب‌ها از بین رفته و تنها نام و برخی منقولات آنها در کتاب‌ها باقی مانده است. فهرست نام آنها گویای دو نکته است: - اهل بیت پیامبر (ع) در بیان احکام به مسئله فلسفه و علل احکام توجه جدی داشته‌اند و خود آن را اظهار کرده‌اند و صحابه و شاگردان آنها کتابت نموده‌اند؛ - شاگردان ائمه (ع) در کنار نگارش‌های دیگر به بحث علل توجه جدی داشته‌اند.

پس از این مرحله آهسته آهسته به موازات حرکت‌های اجتهادی و نگارش کتاب‌هایی به این سبک و سیاق زمینه طرح مباحث نظری درباره شیوه اجتهاد و استنباط احکام آماده گردید. در این دوره فقه شیعه برای اولین بار در کنار مباحث اصولی و نظری از اجتهاد استفاده کرد و از صورت نقل متون به صورت فنی درآمد و با به کار بردن استدلال فروع منصوص و غیرمنصوص بر اصول منطبق گردید.

مهم‌ترین شخصیتی که در این دوره پس از شیخ مفید حضور و نقش فکری و اجتهادی خود را نشان داد، سیدمرتضی علم الهدی است که اولین دوره اصول شیعه را در کتاب الذریعة الی اصول الشریعة در چهارده باب و هر باب مشتمل بر چندین فصل نگاهشت (ص ۶۲). گسترده‌ترین بحث سیدمرتضی موضوع قیاس است. مباحث نظری قیاس راهگشای موضع وی درباره ملاکات احکام و حتی جهت‌گیری درباره مقاصد شریعت است. سیدمرتضی برخلاف دیگران در تعریف قیاس نظر خاص شیعی را جایگزین می‌کند (ص ۶۳).

نویسنده کلام را چنین پی می‌گیرد که پیشرفت و توسعه جوامع در دوران معاصر و پیدایی فرهنگ و آداب تازه سوالات فراوانی در زمینه دین به وجود آورد و این سوال مطرح شد که آیا اسلام توانائی کافی برای اداره جامعه و پاسخگویی به مشکلات انسان این جهانی را دارد یا خیر؟ و پاسخ می‌دهد در نظر نواندیشان پشت سر گذاشتن این فراز و نشیب‌ها فقط با بهره‌گیری از فرآیند اجتهاد به معنای روشن‌اندیشی و نوفهمی متون دینی و بازنگری در آن امکان‌پذیر است.

وی بیان می‌دارد مباحث مقصدشناسی و طرح ملاکات احکام طی چند دهه اخیر با استقبال شایانی از سوی فقیهان شیعی مواجه گردید و مباحث جدید نظری و اصولی با اصلاح روش‌های پیشین و نقد تفریط‌گری‌ها مطرح شد، بر مقام عقل و

اصل تبعیت احکام از مصالح و مفاسد تأکید بیشتری شد و ملاکات در زبان فقیهان تداول بیشتری یافت، از جمله: علامه ابوالحسن شعرانی؛ امام خمینی؛ شهید مطهری؛ شهید صدر؛ علامه محمدتقی حکیم؛ علامه احمد کاظم بهادلی؛ علامه طباطبائی (ص ۹۲-۱۰۵).

وی درباره امام خمینی می‌نویسد: بدون شک یکی از متفکران معاصر شیعی است که به مسئله ملاکات احکام و حتی مقاصد شریعت توجه زیادی نشان داده و در مواردی به بحث و بررسی استنباط احکام از زاویه اهداف شریعت پرداخته‌اند؛ در عرصه استدلال و فتوا، فقه ایشان فقه اجتماعی و سیاسی و متأثر از شرائط و تحولات زمان است؛ یکی از مهم‌ترین مسائلی که امام در سال‌های آخر حیات آشکارا مطرح کرد، لزوم توجه به زمان و مکان و تغییرات در موضوع است که در پرتو ملاکات برای دستیابی به اجتهاد مطلوب مورد نیاز است. در این زمینه تا آنجا پیش می‌رود که اجتهاد فقیه ناآگاه از زمان و مکان ناکارآمد، بلکه اجتهاد چنین کسانی را غیرممکن می‌داند (ص ۹۳). آرای که امام (ره) درباره امر به معروف و نهی از منکر، تئوری حکومت، عدالت اجتماعی، ثروت‌های عمومی، ربا، شطرنج، توجه و ارج نهادن به علوم تجربی و لزوم مددگیری از روش‌های کارشناسی عرضه کردند مصادیقی از نگرش‌های کلان و توجه به ملاکات احکام در اندیشه ایشان است.

جناب ایازی شهید مطهری را یکی دیگر از متفکرین و فقیهانی می‌داند که در دوران اخیر و در بستر تحولات اجتماعی و فکری مسئله ملاکات احکام در جای جای نوشته‌هایش اهمیت پیدا می‌کند و از آن به مبنای تشریح احکام و اتکای به مصالح و مفاسد نام می‌برد و بر این اصل همواره تأکید می‌ورزد که احکام شرعی برخاسته از یک سلسله مصالح و مفاسد واقعی است (ص ۹۶) و از توجه به این ملاکات احکام است که با اخباریون و اخبار‌گرایان، ضدیت بسیار داشت و آنان را فاجعه بزرگ عالم تشیع می‌دانست و معتقد بود هنوز هم کم و بیش آثار این فاجعه در میان علما وجود دارد و موجب رکود و توقف و جمود جامعه مسلمانان شیعه شده است.

استاد با نگرانی از وضعیت اجتهاد می‌نویسد: «ای بسا مجتهدینی که با مغز اخباری اجتهاد می‌کنند. بسیاری از مطالب و مسائلی که گاه دیده می‌شود به نام معارف اهل بیت (ع) به بازار می‌آید و از پشت به اهل بیت پیغمبر (علیهم السلام) خنجر می‌زند، چیزی جز بقایای افکار مولی‌امین استرآبادی نیست».

شهید مطهری تحریم قیاس را درباره رأی‌های مبتنی بر ظن و تخمین صادق می‌داند و طبق نظر اصولیان شیعه به استفاده از

است که به گونه ای با موضوع قیاس ارتباط دارد؛  
- موضع جمع زیادی از علمای شیعه بیشتر تدافعی است تا علمی و تحلیلی؛

- علمای شیعه از تحولات پیش آمده در زمینه قیاس - به ویژه تحولات پس از قرن سوم به بعد و نقد متکلمین اهل سنت به قیاس - غفلت کرده اند و انتقادهای حنابله، شافعیه و مالکیه بر روش و شیوه ابوحنیفه را نادیده انگاشته اند؛

- بسیاری از علمای شیعه به روح روایات نهی از قیاس توجه نکرده اند و کمتر به این سؤال جواب داده اند که چرا ائمه (ع) به قیاس در آن شرایط (حتی شرایط تقیه) حمله کرده اند یا از خود نپرسیده اند که چرا مسئله نهی از قیاس در ردیف نهی از تفسیر به رأی و استفاده از رأی قرار گرفته است؛

- تفاوت برخورد علمی و عملی در موضوع ملاکات است (ص ۱۰۷-۱۱۳).

لصل دوم به روش برخورد قرآن و سنت در بیان ملاکات و احکام: قرآن کریم نیز به مسئله حلال پرداخته است. این حلال عمدتاً در جاهایی وجود دارد که علت بودن آن از کلام استفاده می شود. البته در بعضی موارد باید ملاک حکم را واریسی و شفاف کرد. در آیات قرآن به دنبال این نیستیم که به فلسفه و حکمت احکام به طور کلی تمسک جویم، اما به دنبال اهداف و غایات حکم هستیم. قرآن مجید در ارائه اوصاف منتهی به حلال از چند روش استفاده می کند: ذکر حکم همراه با وصف؛ ذکر حکم همراه با سبب؛ ذکر حکم همراه با استدلال؛ بیان حکم همراه با حکمت آن؛ بیان حکم با ذکر قیود؛ بیان حکم همراه با تعلیل (۱۱۸-۱۳۸).

بیان ملاکات در لسان اهل بیت (ع) یکی از راه های فهم موضع صاحب شریعت درباره اکتشاف ملاکات است. در روایات اهل بیت (ع) با حجم انبوهی از مسائلی مواجه می شویم که ائمه (ع) چه در اجرای احکام و چه در کنار گذاشتن احکام به رعایت مصالح توجه زیادی می کردند یا در این روایات معیارهایی برای حکم بیان می شود یا تحلیل هایی برای جعل حکم یا حکمت احکام بیان می گردد، یا میان دو حکم مقایسه می شود و حکمی از اصل به فرع راه می یابد که همه نشان می دهد ائمه (ع) به ملاکات احکام توجه داشته اند و مخاطبان خود را به این شیوه از استنباط توجه می داده اند.

شیوه ویژه سنت در مقایسه با قرآن کریم؛ ذکر جزئیات، انطباق مصادیق بر احکام کلی، تفسیر مفاهیم، تعلیل شریعت، توجه به مصالح احکام و دگرگونی موضوعات است. مسائل به صورت مستقل و شفاف بیان و حتی به جزئیات آن پرداخته شده

عقل تأکید می کند، گرچه باز نقدی به وضعیت موجود فقه دارد و آن را متأثر از جریان اشعری (حوزه های اهل سنت) می داند و عنوان عدلیه در زبان علمای شیعه را کم و بیش تشریفاتی می شمارد.

شهید مطهری در جای دیگری مجدداً به حلال و انگیزه های مخالفت با قیاس در فرهنگ شیعه اشاره و تصریح می کند، مخالفت شیعه با رأی و قیاس مبارزه با دخالت عقل در استنباط احکام شرعی نیست. مخالفت آنان به این علت است که در عصر ائمه (ع) مراجعه به قیاس به معنای پاسخگو نبودن کتاب و سنت به نیازها بود و می بینیم که امام علی (ع) در خطبه های نهج البلاغه و سایر ائمه (ع) در کتب حدیث به این شبهه پاسخ می دهند و اصرار زیادی دارند که نشان دهند این فکر باطل است. وی به همین دلیل اظهار تأسف می کند که چرا اصولیان متأخر شیعه درباره قیاس و اجتهاد بحث نمی کنند تا حدود قیاس ممنوع بهتر شناخته شود و اندیشه و تفکر اشخاصی شناخته شود که تحت عنوان جلوگیری از قیاس با آزادی عقل مبارزه کردند، سپس می افزاید: «آیا بهتر نبود علمای اصول، بابی به عنوان باب عقل در اصول باز می کردند؟ زیرا بحث نکردن در مورد قیاس خسارت های زیادی به فقه و اجتهاد شیعه وارد کرده است» (ص ۹۸).

و مؤلف درباره پرداختن بزرگان علم به مبحث ملاکات احکام می نویسد: از قرون نخستین در زمینه مقاصد و حلال شرایع تألیف هایی صورت گرفت و شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) به طور رسمی کتاب علی الشرایع را در این زمینه بر اساس روایات اهل بیت (ع) گرد آورد، اما نظریه پردازی و تدوین علم در بین آنها وجود نداشت؛ دلایل زیر از مهم ترین علل مهجور ماندن علم مقاصد به حساب می آید:

- طولانی بودن دسترسی علمای شیعه به منابع احکام؛  
- صدور روایاتی از ائمه (ع) در مذمت قیاس و نهی از مراجعه به احکام متکی به ظنون و استحسانات؛

- دوری فقه شیعه از حکومت و انزوای سیاسی در طول قرون؛  
- ایجاد جریان هایی از قبیل اخباری گری؛

بحث ملاکات احکام هم که ارتباط تنگاتنگی با فلسفه احکام دارد مانند علم مقاصد مورد بی مهری قرار گرفته است، با آنکه شیعه از عدلیه است و به تبعیت احکام از مصالح و مفاسد اعتقاد دارد. در بخش نظری و در علم اصول کمتر به این بحث توجه کرده و تنها جمعی از اصولیان و فقیهان از آن بحث کرده اند و این وضعیت را می توان نتیجه این دلایل دانست:

- موضع علمای شیعی در راستای فاصله گرفتن از بحث هایی

است. تعبیرات روانی وصف حقوقی و قانونی دارد. عبارات به صورت شفاف در قالب حرام، واجب، صحیح و باطل و احکام و ضمی بیان شده و گاه به صراحت علت حکم ذکر شده است (ص ۱۴۲).

ویژگی مهم روایات اهل بیت (ع) بیان اقناعی آنها و توضیح مشکلات و پاسخ به شبهات مخالفین و جلوگیری از خلط‌هایی است که در فهم احکام از ناحیه فقهای عصر ائمه (ع) به وجود آمده است. از همه جالب‌تر در بیان ملاکات و ذکر تعلیل‌ها آموزش اجتهاد به شاگردان و یاران و نشان دادن روش استنباط در برابر روش‌های غلطی همچون استفاده از تفسیر به رأی و قیاس باطل است (ص ۱۶۸).

توجه به ملاکات احکام در کلام اهل بیت (ع) تأثیر سرنوشت‌سازی در استنباط حکم از نصوص دارد که می‌تواند علاوه بر پیشگیری از برداشت‌های سطحی مشکلات احکام را در مسائل مبتلا به روز جهان به راحتی حل نماید و پویایی فقه اهل بیت (ع) را به جامعه بشری نشان دهد (ص ۱۶۷-۱۶۸).

**فصل سوم: مبانی ملاکات احکام:** این فصل از شش بخش صورت یافته است. بخش اول در پی اثبات تبعیت احکام از مصالح و مفاسد است مستلزم اثبات غرض داشتن خداوند و ارزش ذاتی افعال حضرت باری تعالی است، همچنین نیازمند طرح نقد و ادله مخالفان تبعیت و نیز امکان درک مصالح است (ص ۳۹۹). بخش دوم به بحث پیچیده بعدی جایگاه عقل در شریعت اختصاص دارد. در استنباط احکام علاوه بر عقل قطعی از عقل غیر قطعی مورد استفاده در شریعت و احکام نیز بهره‌گیری می‌شود. همان‌طور که از دلیل علمی در اثبات شریعت می‌توان بهره‌گرفت، از عقل اطمینان‌زا هم می‌توان سود جست. البته قلمرو استفاده از عقل همیشه در بعد ایجابی نیست و در ابعاد سلبی هم می‌توان به استناد عقل پرداخت و از محدوده آن سخن گفت.

در این بخش جایگاه عقل در نصوص دینی (قرآن و سنت) بیان و شبهاتی که پیرامون عقل ایجاد شده مطرح و خردگرایی مذموم شرح داده می‌شود. سپس به مخالفان جدی عقل در عالم اسلام، انگیزه‌ها و عوامل وادارنده آنها به مخالفت با خردگرایی در شریعت توجه می‌گردد. بحث بعدی عقل و کاربرد و مبانی آن در نظر نوپردازان مسلمان است. طرح این مباحث به لحاظ تطبیق مسائل و تعیین قلمرو دخالت دین و شریعت و حوزه کارایی عقل در این میدان ضروری به نظر می‌رسد (ص ۳۹۹).

بخش سوم پردازشی به جایگاه عرف در شریعت است. شناخت عرف و تحولاتی که شریعت از جنبه‌های گوناگون فهم

موضوعات و تغییر احکام پیدا می‌کند، توجه به عرف و حجیت آن را ضروری می‌سازد. حجیت عرف نقشی فراتر از امضا و اثبات عدم ردع می‌یابد، حتی به رفع دغدغه‌هایی که فقیه درباره تحولات عرف دارد می‌انجامد در قلمرو اصول چارچوبی از عرف تأیید می‌شود و این معنا با یکسان‌انگاری عرف، سیره عقلا، بنای عقلا و تکرار مبتنی بر عقلانیت و تداوم و عمومیت روش عقلا اثبات و شبهات موجود در این باب پاسخ داده می‌شود و فرقی میان عرف و حکم عقل و نیز رابطه تحولات عرفی و ملاکات احکام بررسی می‌گردد (ص ۴۰۰-۴۰۱).

بخش چهارم به تأثیر معرفت بشری در معرفت کنه شریعت می‌پردازد و علومی را که در استنباط احکام، افزون بر علوم و مبادی اجتهاد، تأثیر مهمی برجای می‌گذارد ارائه می‌کند. ضمن نشان دادن نمونه‌هایی از تأثیر معرفت بشری به مقایسه دو دسته از مفسران می‌پردازد که چگونه معلومات پیشین آنها در فهم احکام اثر گذاشته و برخورد متفاوتی با احکام پیدا کرده‌اند. البته این به معنای تأثیر هر علم در استنباط و فهم ملاکات نیست (ص ۴۰۱-۴۰۲).

بخش پنجم به مفهوم تاریخ‌مندی و شواهد وجود آن در احکام می‌پردازد. از شواهد زبانی گرفته تا احکام منطقه‌ای روایات و اسباب نزول و امضایی بودن بخشی از احکام همه مبین تاریخی بودن بخش زیادی از احکام است. آن‌گاه راه‌های کشف ملاک و تجرید احکام تاریخی را نشان می‌دهد که چگونه می‌توان میان احکام ابدی و غیر ابدی فاصله گذارد و از پارامترهایی برای گور احکام سود جست (ص ۴۰۲).

بخش ششم آخرین و گسترده‌ترین بخشی است که به اثبات غایت‌مندی احکام و دارا بودن هدف در احکام می‌پردازد و نسبت میان مقاصد و ظواهر را روشن می‌کند. هدف‌داری و کاوش در مقاصد را تنها در احکام غیر تعبدی و مصلحت‌سنجی و طرح مقاصد را در احکام عبادی تعبدی برای توسعه و تعمیم و تجرید کارآمد و قاعده‌مند نمی‌داند.

چون هدف‌داری احکام از مباحث مهم فلسفه فقه نیز است، نسبت میان این دو بحث و حساسیت آن را در اقسام و انواع این بحث آشکار و با ذکر مثال ابعاد مسئله را روشن می‌سازد. استنباط حکم را بر دو استوانه نص و مقاصد می‌داند و از قواعدی مانند اصل عدالت و قاعده لاجرح که بیانگر هدف‌داری احکام و توجه به غایات و نتیجه حکم است، بهره می‌جوید.

در دنباله بحث پویندگی علم مقاصد در بین اهل سنت و تألیف کتاب‌های بسیار در عصر حاضر مورد توجه قرار داده، روش فقهای شیعه در این علم را باز می‌گوید و تأکید می‌کند که

شناخت آن است. علل مخالفت اهل بیت (ع) و ریشه های پیدایش قیاس در فرهنگ اسلامی بررسی و توضیح داده می شود که آنچه اهل بیت (ع) نهی کرده اند تنها یک قسمت خاص و آن هم جستجوی علل واقعی با دلیل عقلی در اموری است که بعدی تعبدی دارند و دلیل پذیر نیستند، نه قیاس به این معنا که از تنقیح مناط یا الغای خصوصیت و سایر روش های اکتشاف ملاک نهی شده باشد. به همین دلیل قیاس در بین اهل سنت شرح داده می شود و نقشی که اهل بیت (ع) در پیشگیری از افراط گیری ها و تصحیح بخش های وسیع از این شیوه را به دنبال داشت بیان می کند. آن گاه با بررسی روایات به جایگاه دقیق نهی و مذمت می پردازد و نشان می دهد که چگونه اجتهاد و تفسیر به رأی و قیاس در یک ردیف قرار گرفتند، در حالی که نه از اجتهاد مطلق نهی شده و نه از تفسیر به رأی مطلق و نه از قیاس مطلق، بلکه آنچه نهی شده بود، اجتهاد بدون دلیل و قاعده و تفسیرهای دل بخواهی و فلسفه بافی های بدون مستند و بی توجهی به نصوص بود، لذا عملیات قیاس که در نصّ علت آن بیان شده یا با استنباط از آن مشخص شده از موضوع مخالفت ادله بیرون برده شده است. سپس به ادله مخالفان و نقد آن پرداخته و توضیح می دهد که این مخالفت ها چگونه از موضوع خاص تبدیل به موضوع عام شده و دغدغه گرفتار شدن در قیاس منهی چه زمینه های و مخالفت هایی را به ویژه در میان اخباریان فراهم ساخته است. بعد از آن با اشاره به برخورد اصولیان شیعه - به ویژه در موضع عمل و فتوا - نشان می دهد این فقها - آن گونه که مشهور است - با دسته ای از قیاس مخالف نبوده اند (ص ۵۸۴ - ۵۸۵)، اسامی تعدادی از علمای شیعه که قائل به جواز قیاس مفید بوده اند، به شرح زیر است:

فضل بن شاذان نیشابوری؛ ابن جنید اسکافی؛ شریف رزمی؛ شیخ مفید؛ سید مرتضی علم الهدی؛ شیخ طوسی؛ محقق حلی؛ محقق کرکی عاملی؛ محقق اردبیلی؛ وحید بهبهانی (و شاگردانش: سید محمد مهدی بحر العلوم، شیخ جعفر کاشف الغطاء، میرزا ابوالقاسم قمی، سیدعلی طباطبائی)؛ سید عبداللّه شبّر؛ شهید مطهری؛ شهید صدر؛ محمدتقی حکیم (ص ۴۶۲ - ۴۷۹).

بخش دیگری از شیوه های استکشاف ملاک مربوط به موضوع علت است. نویسندگان درباره جایگاه و اهمیت علت در فلسفه حکم و اقسام و ادوات و قلمرو و شرایط علت سخن گفته و در این مقدمات تفاوت اندیشه و موضع موافقت را با بهره گیری از علت یعنی همان مناط و ملاک بیان کرده است، خصوصاً در مباحث شرایط علت مانند باعث و عامل بودن علت

فقها علی رغم تمایل ظاهری به این بحث عملاً در جای جای فقه از آن استفاده می کنند اما نه در همه جا. بدین جهت قلمرو مقاصد در فقه شیعه را معین می سازد. آن گاه مباحث کاربردی و عملی مقاصد از قبیل تقسیمات، معیارها و شرایط آن را برمی شمرد و روش تفکیک مقاصد ذاتی و عرضی و عام و خاص را بیان می نماید.

مباحث پایانی این بخش به تفصیل مباحث مصالح، اقسام و دسته های آن، ارتباط مصالح با مقاصد، جهت گیری فقهای شیعه در باب مصلحت و ضوابط آن، رابطه مقاصد و ملاکات احکام می پردازد (ص ۴۰۲ - ۴۰۴).

**فصل چهارم: روش های کشف ملاکات: نویسندگان ابتدا خلاصه ای از واژه های مرتبط با ملاکات و درجه اهمیت آن را در کشف ملاک بیان کرده و برای روشن شدن صورت مسئله به کلیت موضوع توجه نموده و چگونگی شناخت و مورد اعتماد بودن روش های اکتشاف بررسی گردیده است. همچنین به دو نکته اشاره کرده که عبارت اند از:**

- بخش زیادی از احکام اسلام، امضایی و ارشادی اند و پیش از اسلام سابقه داشته اند و دلیل چنین رویه ای در میان عقلای آن عصر معلوم بوده است؛

- برخی از احکام غیر تعبیدی فروض گوناگون نداشتند و در یک فرض خاص دارای حکم معینی شده بودند، اما با چند گانه شدن صورت مسئله در زمان های متأخر زمینه فهم ملاک آن و تجدید نظر در فهم حکم پیشین فراهم شد.

در مرحله بعد از ضرورت اکتشاف ملاک، فوائد و ضرورت شناخت این روش ها، تأثیر آن در پاسخ به تحولات زمانه و حل مشکل فاصله زمانی میان وضع شریعت و اجرای آن در عصر حاضر و بازسازی عنصر اجتماعی احکام سخن به میان می آید.

نکته دیگر اهمیت بسیار تبیین قلمرو استکشاف ملاک است و تأکید بر اینکه کلاً بحث استنباط عقلی نگارنده درباره روش های ملاک در احکام غیر منصوص در حوزه امور غیر تعبیدی است و این حوزه را با تفصیل در مفهوم موضوع و معنای مقابل آن یعنی احکام توصلی و قلمرو آنها شرح می دهد و برای آنکه مسئله روش استکشاف با پشتوانه علمی و تاریخی همراه باشد، بهره گیری از ملاکات را در کتاب های فقیهان شیعه نشان می دهد.

پس از بررسی روش های اکتشاف ملاک به مهم ترین روش بحث برانگیز در جهان اسلام یعنی موضوع قیاس می پردازد، موضوعی که نیازمند توضیح جایگاه و سابقه تاریخی مقدماتی در

ده چهره، ده نگاه (مجموعه ده گفت و گوی جداگانه در تاریخ، ادب و فرهنگ معاصر ایران)، گردآورنده: جلال قیامی میرحسینی، چاپ اول، خانه آبی، مشهد، ۱۳۸۵، ۲۲۰ ص.



در این کتاب علاوه بر آشنایی با زندگی مصاحبه شونده‌گان محترم با دیدگاه‌ها و خاطراتشان درباره برخی اشخاص و وقایع مهم تاریخی آشنا خواهیم شد.

#### موضوعات:

خراسان‌شناسی، شعر معاصر ایران و خراسان، دانشکده ادبیات مشهد، موسیقی پاپ و سنتی، انجمن‌های ادبی، فرهنگستان، گسترش زبان فارسی، سبک‌شناسی نثر معاصر، گزیده‌سازی، نهضت ترجمه، نهضت خاطرات نویسی، نسخه‌شناسی و تصحیح، عرفان و تصوف ایرانی و اسلامی، انسان کامل، درگیری سنت و مدرنیته در ایران، جنبش فمینیستی، تاریخ، فرهنگ، زبان و شعر افغانستان.

#### وقایع تاریخی:

کشف حجاب و فاجعه مسجد گوهرشاد، جنگ جهانی دوم و شهریور ۱۳۲۰، نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، احزاب سیاسی، انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷.

#### مشاهیر:

آیه‌الله کاشانی، دکتر مصدق، صادق هدایت، نمایر شیخ، غلامرضا تختی، فروغ فرخزاد، مهدی اخوان ثالث، بزرگ علوی، جلال آل احمد، محمدتقی شریعتی، علی شریعتی، محمود فرخ، ذبیح بهروز، محمود حسابی، عبدالحسین زرین کوب، مجتبی مینوی، عبدالهادی حائری، سید جلال الدین آشتیانی، کاظم سامی و غزاله هلیزاده.

مصاحبه شونده‌گان به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. دکتر محمد حبیب‌اللهی (شاعر، پژوهشگر، مترجم و استاد دانشگاه)، فرزند ابوالقاسم حبیب‌اللهی متخلص به نوید، نوه حاج میرزا حبیب‌اللهی مجتهد خراسانی

متولد: مشهد- ۱۳۰۶.

آثار: ارمغان نوید؛ ترجمه کتاب «سرزمین آدمیان»، اثر

در جعل حکم، مضبوط بودن، استفاده از علت به شرط عدم مخالفت با نص دیگر و عمومیت داشتن علت آمده است که همه اینها قابل استناد و استدلال است و از بدفهمی‌های بسیار در این باره پیشگیری می‌کند.

در بخش دیگر ادله مخالفان استناد به علت بررسی و نشان داده شده که مشکل اصلی و ریشه‌ای با استفاده از علت ناشی از روایات نهی از قیاس است و این روایات چنین اطلاقی ندارد که شامل مباحث علت شود و حداکثر شامل حکمت و آن هم در جاهایی خاص می‌شود.

بعد از آن مسئله اجتهاد در علت مطرح و ادله مخالفان نقد می‌شود و ضمن پاسخگویی به شبهات در صحت و حجیت این دسته از علل استدلال شده است. همچنین روش‌های دستیابی علت که از دو بخش ظواهر نصوص مانند اشاره و تنبیه و ایما و شیوه دیگر چون مناسبت و حکمت و سبب و تقسیم تشکیل می‌گردد - شرح داده شده است. مهم‌ترین قسمت در روش‌های دستیابی به علت تنقیح مناط است که فقهای شیعه اهتمام بسیاری به آن نشان داده‌اند، لذا راه‌های اثبات تنقیح مناط و منبع استناد و قلمرو آن بیان گردیده است.

پایان بخش فصل در موضوع استقرار یکی از روش‌های اکتشاف ملاک است. در این فصل، کوشش بر آن بوده است که از این روش در استنباط احکام به طور عام و در اکتشاف ملاک به طور خاص دفاع شود، لذا در آغاز اهمیت استقرار و معنا و اقسام و زاویه‌های کاوش در استقرار بحث و مشخص شده که در دو محور باید بحث کرد:

- کاربرد استقرار در فقه و مواضعی که در فقه می‌توان از آن استفاده کرد و اهمیت و تأثیر این روش را نشان داده؛

- اثبات حجیت استقرار از راه قیاس و منطق صوری، بلکه از روشی که هم اکنون در علوم تجربی استفاده می‌شود و تا به جایی می‌رسد که مفید اطمینان بلکه یقین می‌شود. سپس به مشکلات و راه‌حل‌های آن اشاره شده و به سابقه گفت‌وگو و به کارگیری آن در کتاب‌های فقیهان توجه شده تا معلوم شود که این مسئله موضوع غریبی در فقه نبوده است و در نهایت به نقش استقرار در کشف ملاکات اشاره و ابعاد استفاده از این روش در اکتشاف ملاک شرح داده شده است.

گفتنی است نگارنده در نگارش این اثر از ۲۹۲ منبع بهره برده است.

علی‌اهب قفغازی

در زمان قدیم وقتی یک نفر می خواست پزشک بشود علاوه بر دروس پزشکی، ادبیات، نجوم، علوم حوزوی، عربی و... را اول می خواند، بعداً پزشک می شد و این شغل را انتخاب می کرد. تمام پزشکان قدیمی جامع الشرائط بودند، ولی امروزه چنین نیست (ص ۱۶۶).

شاه آشکارا اعلام می کرد که هرکس نمی خواهد عضو حزب رستاخیز شود، گذرنامه اش را بگیرد و از این کشور برود (ص ۱۸۳). در سال ۱۳۵۷ ش مرتب برای شرکت در راهپیمایی ها با یکی از پزشکان شهر قرار می گذاشتم. بعدها که اسامی ساواکی ها درآمد، دیدم اسم او هم هست (ص ۱۸۴).

وقتی قرار شد مردم شب ها بر بالای پشت بام ها الله اکبر بگویند، در محله ما تعداد زیادی نبودند که این دستور را اجرا کنند. مستخدمی داشتیم که پسرکی ۸ ساله داشت. من و او نردبان می گذاشتیم و می رفتیم بالای پشت بام برای الله اکبر گفتن. بچه های خودم هنوز خیلی کوچک بودند. کم کم همسایگان هم به شوق آمدند و ترسشان ریخت و آمدند روی پشت بام ها و تکبیر می گفتند. پشت بام ها بیشتر یک طبقه بود. بعد از آنکه تیمسار از هاری در سخنرانی خودش گفت که این الله اکبرها نوار است، تازه یاد گرفتیم که از نوار کاست هم برای تکبیر گفتن استفاده کنیم و استفاده هم کردیم، چون در آن محله در حقیقت ما در اقلیت بودیم (ص ۱۸۵).

۳. محمدحسن حسامی محولائی (شاعر طنزپرداز)

متولد: محولات از توابع تربت حیدریه-۱۳۰۷.

آثار: لبخند بدون قلقلک (مجموعه اشعار طنز).

تحصیلات: دیپلم ادبی.

شغل: بازنشسته اداره اوقاف.

دو حزب به نام های ملیون و مردم درست شده بود که رئیس یکی دکتر اقبال (رئیس دولت) و رئیس دیگری اسدالله اهلیم بود، یعنی هر دو وابسته به دربار بودند.

... روزی که دکتر اقبال به مشهد آمد، این شعر را در روزنامه

خراسان منتشر کردم:

تازگی ها دو حزب گشته به پا

هر دو با نام «مردم» و ملت

سخت افتاده اند جان شما

بنده از این دو حزب در حیرت

ترسم آخر شوند این احزاب

بهر مردم، مزید بر هلت

هدف هر دو می شود معلوم

با کمی فکر و با کمی دقت

سنت آگزویری؛ چندین مقاله در مجلات مختلف.

تحصیلات: دکترای زبان شناسی از دانشگاه سوربن فرانسه (موضوع رساله: لهجه مشهدی).

شغل: استاد دانشگاه اصفهان (بازنشسته ۱۳۷۲).

پدر هنوز بر بستر بیماری نیفتاده بود که جنگ شروع شد. خوب به خاطر دارم در یکی از روزها که کنار هم ایستاده بودیم و راجع به جبهه و جنگ صحبت می کردیم، او آرزومندانه گفت: کاش من هم یکی از اینها بودم، حسرتی توصیف ناپذیر در نگاهش مشاهده نمودم (ص ۱۷).

در سال ۱۳۵۰ به اصفهان رفتم. در آنجا سازمان امنیت مشکلی برابم پیش آورد. هر چه رفتم سوال کردم که قصه چیست، جوابی ندادند تا اینکه آقای یدالله قرائی را واسطه قرار دادم. ایشان به من گفت که می گویند شما می خواسته ای کتابی علیه شاه به فارسی ترجمه کنی. بنده از چنین چیزی هیچ خبر نداشتم و ندارم. بالاخره با پادرمیانی آقای قرائی مشکل برطرف شد.

۲. دکتریحیی حدادی ایپانه (شاعر، پزشک، متخصص)

متولد: ایپانه-۱۳۲۳.

تحصیلات: دکترای پزشکی.

شغل: پزشک متخصص زنان و زایمان.

درخواست یکی از استادان دانشگاه معتبری در آمریکا را رد کردم و گفتم من در ایران درس خوانده ام و اکنون موقع ادای دین است. این وقتی بود که دو عمل برداشتن رحم از طریق واژن و یک عمل از راه شکم را ظرف ۳ ساعت انجام دادم (ص ۱۴۹).

بعد از پیروزی انقلاب خیلی ها به خارج از کشور رفتند ولی پزشکان ماندند و... در جبهه ها از جان و دل کار کردند. در این باره شعری سروده ام که چند بیت آن را می خوانم:

در جنگ تمحیلی همه از جان گذشتیم

تا سربلند از جبهه و میدان گذشتیم

در زیر بارانی ز بمب و موشک و تیر

با همت و ایمان ما شد عشق، تفسیر

عشقی که از ایران و ایرانی به دل بود

عشقی که جان در پیشگاه آن خجبل بود

(ص ۱۵۰-۱۴۹)

فکر و ذکر پزشک، نجات جان بیمار است و برایش فرقی نمی کند که بیمار زن است یا مرد، زشت است یا زیبا، دشمن است یا دوست. در مثنوی به این مطلب اشاره کرده ام (ص ۱۵۶).

پزشکان ایران از مجرب ترین و دقیق ترین افراد در رشته کاری خود به خصوص در رشته های جراحی اند و اگر امکانات داشته باشند، بزرگ ترین اعمال جراحی را به بهترین وجه انجام می دهند (ص ۱۶۰).

حزب ملت، مخالف مردم

حزب مردم، مخالف ملت (صص ۲۰۳-۲۰۲)

شعر طنز با شعر فکاهی خیلی تفاوت دارد. در شعر طنز باید نکته و مضمون و انتقادی حتماً وجود داشته باشد. به قول معروف: «چو حق تلخ است با شیرین زبانی - حکایت سرکنم آن سان که دانی» (ص ۲۰۶).

شعر شاعری که درباره معشوقه یا زنش سروده است، به مردم ربطی ندارد، پس چرا باید وقت مردم برای شنیدن آن گرفته شود. از این گذشته تعصب این شاعر کجا رفته است؟ من بارها به برخی از دوستان شاعرم گفته‌ام شعری که در وصف چشم و مو و پا و سریارتان گفته‌اید، بد است، چون مردم را به ذوق می‌اندازد... شعری برای مردم خوب است که دردها و گرفتاری‌های آنها در آینه‌اش منعکس شده و اثر گذاشته باشد.

خوبی شعر طنز این است که شاعر در آن حرفش را می‌زند (ص ۲۰۷).

در عین حال که همه کارها را جدی می‌گیرم، اگر نشد به خودم زیاد فشار نمی‌آورم که ناراحت بشوم و می‌گویم خُب، خدا خواسته است، زیرا معتقداتی مذهبی دارم (ص ۲۰۷).

طنز به انسان روح و انرژی می‌دهد درست مثل لبخند (ص ۲۰۸). هر چقدر که پدرم جدی بود، من به جنبه طنز توجه داشتم (ص ۲۰۹).

در آتش سوزی مکه در سال ۱۳۵۴ چند هزار حاجی در آتش سوختند. در آن هنگام، من عضو سرپرستی حجاج ایران بودم. با مدیرکل حج برای بازدید وضع حاجیان ایرانی آمدم و دیدم از ناراحتی و اضطراب، کسی از حاجیان خوابش نبرده است. این شعر طنز را ساختم و برای آنها خواندم، آرام شدند و توانستند بخوابند:

حاجیانی که در مناسک حج

بر زمین منازدند خیام

آتش چون که در منافاتاد

سوخت جمعی چو از خواص و عوام

بعد از آن حاجیان دو دسته شدند

حاجی پخته ماند و حاجی خام (ص ۲۱۶)

شعر دیگری دارم با عنوان: مرحمت کن

روستازاده‌ای به شهر آمد

بازن شصت ساله‌ای از ده

برد زن را به پیش محضر دار

گفت هی متنی تو بر من نه

این زن شصت ساله را بردار

مرحمت کن سه بیست ساله بده (ص ۲۱۷)

دکتر محمود حسابی جانشین ندارد. محمد محیطی طباطبائی

دیگر جانشین ندارد. ابوالحسن وزری جانشین ندارد... دکتر حسابی خودش تعریف می‌کرد و می‌گفت «من به لندن رفتم و برای استادان ریاضی دانشگاه‌های آنجا یک ساعت صحبت کردم، آنها گفتند که ما چیزی نفهمیدیم، شما بهتر است پیش انیشتن بروید. انیشتن در آمریکا بود. من گفتم که چون ایرانی و عضو دولت ایرانم، باید برگردم به ایران. گفتند: نه، تو ایرانی نیستی، تو جهانی هستی. این بود که برایم بلیت گرفتند و من به آمریکا رفتم. در آمریکا انیشتن به استقبال آمد، بعد که حرف‌هایمان را باهم زدیم به او گفتم که بیافکرمان را روی هم بپوشیم و کار کنیم. او گفت: نه، تو فکر خودت را تعقیب کن و من هم فکر خودم را دنبال می‌کنم، تو در آن ساختمان باش و من هم در این ساختمان می‌مانم. دوسه سال این جور بود و شب هنگام صرف شام با هم حرف می‌زدیم. من به همان جایی رسیدم که انیشتن رسیده بود، ولی هر کدام از راهی جداگانه، حتی من زودتر هم رسیدم، ولی او چون یهودی بود و یهودی‌ها دنبالش بودند و در آن وقت هم مثل الان دنیا در دست یهودیان بود، او شناخته شد و من که ایرانی بودم و پشتوانه‌ای نداشتم ناشناخته ماندم. جهودها برای او زیاد تبلیغ می‌کردند و این بود که او شد انیشتن» (ص ۲۴۹).

۴. مهندس هلی صابری (مترجم و خواننده اوپرا)

متولد: جویمند، مرکز شهرستان گناباد، ۱۳۲۱.

تحصیلات: فوق لیسانس مهندسی سرامیک (کاربرد مواد معدنی غیرفلزی)، از آلمان.

شغل: کشاورز.

آثار: ترجمه و تألیف کتاب سرامیک و کاربردهای آن.

در اقتصاد ملی ایران، معدن حرف آخر را می‌زند یا دست کم بعد از کشاورزی می‌تواند محور قرار بگیرد. ما در ایران به ویژه خراسان منابع خداداد عظیمی داریم که اگر از آنها استفاده درست و بهینه شود می‌تواند تأثیر شگرفی در اقتصادی کشور داشته باشد. ما در زمینه مواد معدنی غیرفلزی غنی هستیم، به خصوص در جنوب خراسان که از سنگ‌های تزئینی گرفته تا کالون‌های خاک‌های چینی متال و... به طور سرشار وجود دارد. متأسفانه هنوز چنان‌که باید از این منابع استفاده نمی‌شود. باید کوشش کنیم در جنوب خراسان که مناطق محرومی هستند، صنایعی ایجاد کنیم که در جهت معدن باشد، زیرا کشاورزی در جنوب خراسان به سبب کویری بودن زمین، کم‌آبی و وجود ساختار خرده مالکی نمی‌تواند محور قرار گیرد. باتوجه به وجود معادن غنی و گسترده در جنوب خراسان با ایجاد صنایعی در خدمت معدن می‌توانیم اقتصاد را در این مناطق پویا و منطبقه را متحول کنیم (ص ۲۷۸).



در یکی از این صف‌ها بایستند و هرکاری برای ساختن دوباره کشورش از دستش برمی‌آید، رایگان انجام دهد» (ص ۳۱۲).

در آنجا از خانه‌گفته هم دیدن کردم، هنوز اسباب و اثاثیه‌اش باقی بود. اطراف آن خانه خراب شده بود، ولی خود آن خانه، نه (ص ۳۰۲).

پیش از اینکه مسافرت‌های خودم را به خارج از کشور انجام بدهم، خویش را موظف می‌دانستم اول کشور ایران را بهتر بشناسم (ص ۳۱۳).

متأسفانه بیشتر استادان قدیمی و پرتجربه را به عنوان مختلف کنار گذاشته‌اند و عده‌ای را که به زور فوق‌لیسانس گرفته‌اند، بر دانشجویان مسلط کرده‌اند که در مجامع علمی - دانشگاهی به شوخی به آنها «استادچه» می‌گویند. مخصوصاً سطح تحصیل در دانشگاه‌های آزاد خیلی پایین آمده است و اگر بگویند در جایی رشد کرده، بدانید که مبالغه می‌کنند. اغلب استادان تازه استخدام شده، به سهولت، بیست صفحه‌ای ترجمه کرده‌اند و نامش را رساله گذاشته‌اند و شده‌اند فوق‌لیسانس، نه اطلاعات کافی دارند و نه به روش‌های تربیتی و فن‌تدریس‌آشنای‌اند (ص ۳۱۵).

برای اینکه تدریس زبان انگلیسی در دبیرستان‌ها سامان بگیرد باید عده‌ای از متخصصان زبان با روش‌های تازه زبان‌شناسی و شیوه‌های جدید تعلیم و تربیت به آموزش و پرورش بیایند...

آموختن زبان تکرار می‌خواهد و باید گفتگو شود (ص ۳۲۶).

نسل ما در آن زمان که امکاناتی نبود، تکه تکه مثل گازانبر از زبان مردم چیز یاد می‌گرفت، ولی حالا این همه امکانات هست اما اثری از شوق آموختن در این نسل دیده نمی‌شود. یاد گرفتن زبان، پشتکار و همت می‌خواهد. این نکته را هم بگویم که استعداد آموختن زبان یک موهبت است، خیلی افراد اصلاً زبان خارجی یاد نمی‌گیرند، خیلی از افراد هم هستند که خیلی زود این زبان را یاد می‌گیرند (ص ۳۲۷).

یک وقتی شنیدم در پشت باغ ملی مشهد در کلیسای انجیلی یک نفر هست که انگلیسی درس می‌دهد. من با یکی از دوستان رفتم. حق‌التدریس او هم زیاد بود. یک ماهی که گذشت، دیدم او می‌خواهد ما را به طرف مسیحیت سوق بدهد. ما در عین حال که کم سن و سال بودیم، زرنگی داشتیم و این چیزها را می‌فهمیدیم و گفتیم که دیگر نمی‌خواهیم در اینجا زبان انگلیسی یاد بگیریم. بعد پیرمردی را پیدا کردیم که خیلی در انگلیسی وارد بود... او بازنشسته شرکت نفت بود (ص ۳۲۶-۳۲۷).

متأسفانه جامعه ما سیر قهقراپی پیدا کرده و به موسیقی مبتذل روی آورده است. اگر جوانان شعر حافظ را نمی‌فهمند، تصویر حافظ و آقای شجریان چیست. گناه از کوتاهی فکر جوان‌هاست

موسیقی، زن و مرد نمی‌شناسد، همان‌طور که آقایان از موسیقی لذت می‌برند خانم‌ها هم از موسیقی لذت می‌برند. در زمینه کار خوانندگان زن هم باید یک فکر اساسی شود، آن چنان که با شئون مذهبی نیز برخورد نداشته باشد تا خانم‌های هنرمند هم بتوانند هنر خود را عرضه کنند... یکی از این راه‌ها می‌تواند برگزاری کنسرت برای همجنسان خودشان باشد. هر چه جلو عرضه کار خوانندگان اصیل زن را بگیریم، ناخوایسته راه را برای عرضه صدای خوانندگان مبتذل زن باز می‌کنیم (ص ۲۸۱).

نسل جوان ایران باید از نظر فرهنگی و علمی خود را بسازند و تا جایی که می‌توانند مطالعه کنند و علم را برای نفس علم بخواهند و بجویند، نه برای اینکه در خدمت ثروت قرار بگیرد. اکنون بیشتر جوانان ما علم را در خدمت ثروت می‌خواهند و این جای تأسف دارد (ص ۲۹۴).

۵. غلامرضا صدیق فریب (شاعر و استاد دانشگاه)

متولد: مشهد-۱۳۰۵.

آثار: اخوانیه‌ای از مهدی اخوان ثالث (م- امید) و غلامرضا صدیق (۱۳۷۷).

تحصیلات: فوق‌لیسانس آموزش و پرورش از دانشگاه آمریکایی بیروت.

شغل: بازنشسته آموزش و پرورش.

نزدیک میدانی در شهر واشنگتن زندگی می‌کردیم. یکی از روزها که به قصد صرف غذا در رستوران بیرون آمدیم عده‌ای پلیس داخل کوچه‌ای ایستاده‌اند و باتوم‌های خود را نیز درآورده‌اند و در کناری گذاشته‌اند، عده‌ای از مردم هم جمع شده‌اند. پرسیدم: جریانی چیست؟ گفتند: ژنرال آیزنهاور (رئیس جمهور وقت آمریکا) و همسرش آمده‌اند به کلیسایی که از دوره کودکی در آن نیایش می‌کرده‌اند. گفتیم: چرا پلیس‌ها باتوم‌هایشان را درآورده‌اند؟ گفتند: طبق قانون در اینجا وقتی رئیس جمهور از جایی عبور می‌کند نباید افراد مسلح دور و برشان باشند. آن سال، سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۶ شمسی) بود، اما اخیراً (۱۳۶۷) که به آمریکا رفتم دیدم اصلاً از آن دوره و آن مردم متمدن و آن اخلاق و آداب خبری نیست، تنها چیزی که مانده، وحشت است و ترور و درگیری و فیلم‌های جنگی و سکسی و فضائی و دیگر هیچ (ص ۳۰۴).

سال ۱۳۳۵ در فرانکفورت آلمان، ساختمان‌ها با اینکه نزدیک به ده سال از جنگ جهانی دوم می‌گذشت، خرابه بود، در انگلستان هم ساختمان‌ها دودزده و خرابه بود. در آلمان تعداد زیادی از مردم در جاهای مختلف در صف ایستاده‌اند، پرسیدم: آنها برای چه ایستاده‌اند؟ گفتند: هرکس خود را موظف می‌داند روزی دو ساعت

که ساده طلب هستند، و گرنه هفتصد سال است که در هر جا اشعار حافظ و دیگر شاعرانی مثل او با نوائی دلکش خوانده می‌شود و همه هم می‌فهمند و می‌پسندند (ص ۳۲۹).

جوانان باید بکشند و اگر درست دقت کنند می‌فهمند که من از هیچ به اینجا رسیده‌ام. همه چیز در سایه تلاش به دست می‌آید. جوانان باید همراه با کوشش پیگیر توکل به خدا داشته باشند و هیچ گاه ناامید نشوند، بلکه باید آن قدر دنبال کار را بگیرند تا به مطلوب خود برسند (ص ۳۲۹).

آخرین شعری که مرحوم ناصر اجتهادی مشغولش بوده، دربارهٔ بدکرداری‌های صدام بوده است. کار سرودن آن شعرا تمام کرده، قلمش را زمین گذاشته... بعد ناگهان سرش روی شانه آقای جواد ایران منش افتاده و به همین سادگی از دنیا رفته است (ص ۳۴۳).

در زمان جنگ جهانی دوم و اشغال ایران، فقر فراوان بود و نان پیدا نمی‌شد. تراشهٔ چوب و خاک اره را قاطی آرد می‌کردند و می‌پختند. تا نان را می‌گرفتی می‌شکست، برای اینکه قاطی آن اشغال داشت. مردم باید می‌رفتند مدت‌ها می‌نشستند تا شاید نوبت شان بشود و بتوانند نان بگیرند. نان خیلی گران شده بود. در بین مردم بیماری زیاد بود. بیشتر مردم به خاطر آلودگی سبزیجات و نبودن آب لوله‌کشی حصبه می‌گرفتند. در مجموع در ایران آن زمان، زندگی خیلی مشقت‌بار بود (ص ۳۴۵).

#### ۶. محمد هظیمی (شاعر)

متولد: توابع تربت حیدریه - ۱۳۱۹.

آثار: از پنجره‌های زندگانی (گزیده غزل معاصر ایران).

تحصیلات: دیپلم ادبی.

شغل: کارمند بازنشسته دانشکدهٔ ادبیات مشهد.

متأسفانه خیر فروش دانشکده ادبیات مشهد حقیقت دارد. این دانشکده با حدود ده هزار متر زمین و هفت ساختمان چند طبقه به ثمن بخش به جهاد دانشگاهی فروختند. گویا این بیع و شری در سال ۱۳۷۹ انجام گرفته است. بله، دانشکده‌ای را که سابقهٔ تاریخی دانشگاه مشهد را در خود جای داده بود و بزرگانی چون دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، دکتر حسین خدیوجم، دکتر علی شریعتی، دکتر علی میلانی و... در آنجا دانشجو بوده‌اند و استادانی همچون شادروان دکتر علی اکبر فیاض، دکتر غلام حسین یوسفی، دکتر جمال رضائی، دکتر جلال متینی، دکتر رحیم عقیقی، دکتر جواد حدیدی و دکتر ابراهیم شکورزاده در آن تدریس کرده‌اند. من تأسف عمیق خود را از این واقعه اعلام می‌دارم (ص ۳۸۶).

می‌کنم پنهان من از آینه روی خویش را

تا نبینم رو به او با خود عدوی خویش را (ص ۴۲۰)

#### ۷. حسن علی میرزا قهرمان (شاعر و ویراستار)

متولد: بزنگان سرخس - ۱۲۹۵.

آثار: خرگوش و لاک‌پشت (منظومه‌ای برای کودکان) (همراه با جلال قیامی میرحسینی).

تحصیلات: دیپلم.

شغل: معلم ابتدایی، بازنشسته سال ۱۳۶۰.

وقتی که محمدرضا خان اسدی را به دستور رضاخان کشتند، با اینکه خود گلشن آزادی (صاحب امتیاز روزنامه آزادی) می‌دانست اینها همه‌اش صحنه‌سازی و دروغ بوده است در روزنامه‌اش چنین تیتیر کرده بود: «دیدید که خون ناحق پروانه شمع را - چندان امان نداد که شب را سحر کند». از همان تاریخ، دیگر حتی با او سلام و علیک هم نکردم (ص ۴۳۲).

روز کودتای ۲۸ مرداد همه عزادار بودیم، زیرا تمام امیدهای ما با دستگیری دکتر مصدق بر باد رفت. دوستی داشتیم که فامیلش «مصدقی» بود. روزی من او را از آن طرف خیابان صدا زدم. وقتی به این طرف خیابان و نزدیک آمد، فحش داد و گفت: پدرسگ، برای چه فامیل مرا صدا زدی؟ الان مرا می‌گیرند و آن وقت کلی زحمت دارد تا شناسنامه‌ام را بیاورند و مأموران متوجه موضوع بشوند و مرا آزاد کنند (ص ۴۴۰).

#### ۸. محمد کاظم کاظمی

متولد: هرات (افغانستان) - ۱۳۴۶.

در افغانستان، سربازی که به خدمت می‌رفت، به خدمت نظام کمونیستی می‌رفت و احتمالاً کشته می‌شد که مرتد بود... کسی که دبیرستان را تمام می‌کرد، می‌کوشید به یک شکلی خود را از کشور بیرون بکشد... ما از بیراهه می‌آمدیم و دولت ایران مشکلی نداشت و مهاجران را می‌پذیرفت. در همان جا ماشین‌هایی بود که سوار می‌شدیم و به اردوگاه می‌آمدیم. در آنجا ثبت‌نام می‌شدیم و بعد از چند روزی که معاینات پزشکی و بهداشتی انجام می‌شد هرکسی به جایی تقسیم می‌شد، برخی به کاشمر و برخی به جاهای دیگر. ما را به مشهد فرستادند (ص ۴۶۳-۵).

مهاجرانی که به ایران آمدند، کمتر از پایتخت (کابل) بودند، بلکه بیشتر از شهرهای اطراف به خصوص حوزه غرب افغانستان یعنی هرات و مناطق هم‌جوار بودند، به این لحاظ در بین این مهاجران افراد تحصیل کرده کمتر بود (ص ۴۸۲).

خانواده مادر سال ۱۳۶۳ به ایران مهاجرت کرد. چهار فرزند داشت، سه پسر و یک دختر... اولین سالی بود که در دانشگاه سهمیه‌ای برای مهاجران قائل شدند. از دانشگاه فردوسی مشهد در رشتهٔ مهندسی عمران لیسانس گرفتم (ص ۳۴۳-۳۴۵).

مصاحبه‌شونده محترم در فرآیی از شعرش با عنوان

«بازگشت» خطاب به ملت ایران می گوید:

تمام آنچه ندارم، نهاده، خواهم رفت

پیاده آمده بودم، پیاده خواهم رفت

مرحوم ذبیح الله صاحبکار، شاعر غزلسرای خراسانی هم گفته بود: «او خیال کرده حالا که پیاده آمده، باید با ماشین برگردد» (ص ۵۰۵).

پناه دادن جمهوری اسلامی ایران به افغانه طی ۳۰ سال گذشته و کمک های فراوان به اشتغال و تحصیل آنان در حالی که بسیاری از شهروندان ایرانی محروم از آن امکانات بوده اند، نشان از ایشار ایرانیان دارد. اکنون وظیفه تبعه افغان است که با اندوخته های علمی و ثروت های گردآورده در ایران به کشورشان بازگردند و نسبت به بازسازی آن همت گمارند، ضمن آنکه حضور آنان در ایران موجب آسودگی خاطر کفار محارب غریبی و اشغالگران افغانستان (نظامیان ناتو) است. بازگشت اینها موجب اعمال فشار بر آنجا جهت خروج از سرزمین اسلامی افغانستان خواهد شد.

۹. نجیب ماهل هروی (محقق، مصحح، کتاب شناس و پژوهشگر ویرانگر حرفه ای)

متولد: هرات (افغانستان) - ۱۳۳۱.

آثار: نقد و تصحیح متون؛ کتاب آرایبی در تمدن اسلامی؛ خاصیت آیینگی؛ تاریخ و زبان در افغانستان؛ برگ بی برگی؛ سایه به سایه؛ اندر غزل خویش نمان خواهم گشتن و ...

قضیه نسبت این بزرگان (مشاهیر) که در این منطقه به صورت ستیز درآمده، ناشی از ملیت گرایی کاذبی است که در این چند دهه از قرن اخیر، مجال طرح یافته که یکی از خاصیت هایش باستان گرایی است. بنده بر این باورم که هر ملتی که بهتر بتواند از تفکر و مرام فکری و فرهنگی این بزرگواران پیشین، بهتر و ژرف تر استفاده کند قدر مسلم نسبت آن شخص به آن ملت استوارتر است، زیرا نسبت های طینی و خونی و نسبی قابل انقطاع اند، اما نسبت های معنوی و ذاتی قابل انقطاع نیستند. نسبت یک ملت به مرام و مقصد فکری و فرهنگی این بزرگواران - اگر ذاتی و معنوی باشد - نیاز به هیچ گونه قیل و قال ندارد (ص ۵۱۴).

از یک وجه دیگر در مورد سیدجمال الدین افغانی باید دانست که رکن رکن اندیشه وی در جهان اسلامی با پان اسلامیزم است و شخصی که خود را منسوب به این جهان می داند، چه باک دارد از اینکه گاه خویشین را افغانی بنامد و گاه همدانی و گاه نیز مصری و ترکی و کذا و کذا، ولیکن با همه اینها برای آنان که باز هم نسبت طین را قدر و بها می نهند، عرض می کنم که هیچ استبعاد ندارد که سیدجمال الدین از شرق خراسان بزرگ یعنی افغانستان امروز باشد و هیچ جای تردید ندارد بر اثر مهاجرت های خاندان او

برخی از اقوامش و بعضی از نزدیکانش در اسدآباد همدان اقامت دائمی کرده باشند و سید نیز حین آمد و شدهای پیگیر در همدان ایامی گذرانده باشد (ص ۵۱۴).

دخترکان دانشکده، (در دانشگاه مشهد) بعضی آگاهانه پوشیده سر بودند و برخی هم آگاهانه کم لباس یا به اصطلاح امروز «بدحجاب». این دخترکان چقدر در فضای دانشکده مؤثر بودند و می توانستند با طرز لباس پوشیدن شان فضای درس را به فضای عشق و عاشقی تبدیل کنند (ص ۵۲۹).

به اکثر شهرهای ایران، آمد و شد داشته ام و شاید یگانه نفریحم در طول ۲۸ سال ایران گردی باشد... از این سفرها خاطرات بسیار شیرینی دارم و از مجموع آنها به این نتیجه رسیده ام که زمینه فرهنگ جامعه ایرانی به طور ناخودآگاه یا خودآگاه انسان را دچار امواجی می سازد که اشتیاق فرهنگ را مضاعف می کند (ص ۵۳۱).

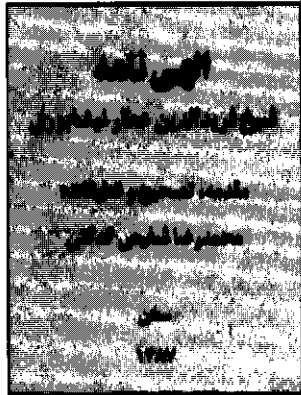
حوزه دبستان و راهنمایی و دبیرستان در ایران در کابل هم بود، با این تفاوت که هر دبیرستانی به وسیله یکی از دولت های غریبی تأمین می شد و نظام تحصیلی آن دبیرستان مطابق با نظام درسی همان کشور بود. «دبیرستان قاضی» را که من در آن تحصیل می کردم، انگلیسی ها اداره می کردند و امکاناتش را هم آنها می گذاشتند... خانم معلم زبان انگلیسی در مقطع دبیرستان آن قدر مهربان بود که اندازه نداشت. او در کنار درس یک مقدار سکس هم داشت که برای بچه ها در آن دوره از سنین شگفت آور بود و با آن وضع پای تخته می ایستاد و زبان درس می داد. عده ای از پسرها هم شیطنت می کردند و من فکر می کنم که دولت های غریبی چنین مواردی را انتخاب می کردند، برای اینکه نسل جوان را شگفت زده و مرعوب کنند (ص ۵۱۵-۵۱۶).

شاهان قاجار در قبال افغانستان اشتباه کردند، یعنی زمانی که انگلیسی ها مصمم شدند افغانستان را با این مرزهای فعلی اش ببندند، شاهان قاجار بعد از امیرکبیر به قضیه تن دادند (ص ۵۴۸).

در دوران جوانی کتاب «گوشه هایی از روابط خارجی ایران» از خانم منصوره اتحادیه را خواندم که درباره سرنوشت جدایی هرات نوشته شده بود. مطالعه آن کتاب تأثیر سورتی بر من گذاشت. آثار این تأثیر در تحقیقاتی که به نام کتاب «روضات الجنات فی اوصاف المدینة الهرات» کرده ام و ان شاءالله در تهران در سه مجلد چاپ خواهد شد، دیده می شود و سرنوشت شوم هرات، سرنوشت بدی که انگلیسی ها برای این شهر رقم زدند، در آنجا انعکاس یافته است (ص ۶۲۲).

در برخی از نوشته های علاءالدوله سمنانی به صراحت از اینکه چه تعداد از مردم در یک سال یا در یک ماه رمضان در سمنان

الهی نامه، عطار نیشابوری، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ اول، سخن، تهران، ۱۳۸۷، ۹۰۲ ص.



الهی نامه عطار مثنوی ای است به بحر هزج مسدس محذوف و همچون منطق الطیر و مصیبت نامه او کتابی است درباره سفر به درون که با حمد خدا و نعت رسول (ص) و مناقب یاران ایشان شروع می شود، سپس طرح اصلی کتاب یعنی مناظره پادشاهی با شش پسرش در بیست و دو مقاله آغاز می شود. شاهزادگان این منظومه آرزوهای خود را نزد پدر باز می گویند و او می کوشد تا بی ارزش بودن آرزوهای پسران را به آنها بنماید و آنان را بر آن دارد که مقاصد والا تری را برگزینند.

عطار در این منظومه کوشیده است در آن سوی هر کدام از آرزوهای محال انسان که حاصل تخیل قرن ها و قرن هاست، به انسان پیامورد که هرگاه حقیقت هر کدام از اینها را خواستار است باید در درون خویش جستجو کند.

الهی نامه پیش از این چاپ های دیگری هم داشته که مهم ترین آنها از آن هلموت ریتز و فواد روحانی است، اما به دلایلی که مصحح آنها را بر شمرده است این چاپ بر چاپ های پیشین برتری هایی دارد:

۱. علاوه بر نسخه های ریتز از ده نسخه بسیار مهم و اصیل دیگر در این چاپ استفاده شده است و در نتیجه بسیاری از خطاهای ریتز اصلاح شده است.

۲. امتیاز دیگر این چاپ تفسیر و شرح بسیاری از ابیات است که نیازمند شرح و تفسیر بوده. بدین گونه بسیاری از مشکلات متن حل شده و بوطیقای عطار کاویده شده است. شیوه کار مصحح در تصحیح الهی نامه با سه مثنوی منطق الطیر، مصیبت نامه و اسرار نامه قدری متفاوت بوده است. در متون پیشین تکیه بر نسخه صحیح و مضبوط خط ابراهیم بن حوض مراغی بوده که ضبطهایی اصیل را داراست و از این رو در این سه کتاب نیاز چندانی به استفاده از نسخه های دیگر نبوده است، اما الهی نامه از چنین نسخه اصیلی بی بهره بوده است. نسخه ای که

کشته شده اند یا به زندان افتاده اند یا شکنجه دیده اند یاد می شود و آن گاه شیخ به مریدان می گوید در چنین احوالی چگونه می توان با حضور قلب نماز خواند... تا قرن نهم تشیع از یک تجمع نظام مند اجتماعی و سیاسی محروم نگه داشته شده بود و به هر حال، حاکمیت، حاکمیت اهل سنت بوده است. در فلسفه مذهبی و سیاسی اهل سنت، ستیز کردن به هر نوع نظام ولو جابر، پذیرفته نبوده است. امروز اگر می بینیم که مثلاً فلسفه سیاسی حنفیان در مشرق این منطقه از جمله در آریانا و در پاکستان به صورتی درآمده که در مقابل نظامی که حتی خودشان را مسلمان می خوانند، می ایستند و شمشیر بیرون می کشند یا تفنگ برمی دارند، حکایت از تأخیری می کند که فلسفه سیاسی اهل سنت از فلسفه سیاسی شیعه پذیرفته است... در دوره صفوی مقوله جامعه شیعه و عرفای شیعه نظام مند می شود. یک عارف شیعه با جرأت تمام نسبت به دربار هشدار می دهد (ص ۵۹۲).

شمس تبریزی یا شمس پرنده... به هیچ نوع قدرت فکری علاقه نشان نمی دهد و به هیچ چیزی تن نمی دهد و هیچ چیزی او را آرام نمی کند. بعد از برخورد مولانا با شمس این ناآرامی به مولانا هم سرایت کرده است. به همین سبب ما مولانا را ناآرام می بینیم یعنی این ناآرامی آن قدر جدی بوده که فوراً به مولانا انتقال یافته است (ص ۵۹۷).

۱۰. احمد نوهانی مقدم (پژوهشگر تاریخ)

متولد: محله نوغان مشهد-۱۳۰۸.

آثار: تحریری تازه از تاریخ یمنی؛ مقالات تحقیقی در نشریات، تحصیلات: دکترای تاریخ از فرانسه.

شغل: بازنشسته آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۹، مدیر گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی (واحد بجنورد)، مشاور مرکز خراسان شناسی.

در جنوب اسپانیا یعنی آندلس مسجدی هست که خیلی جالب است. داخل شبستان، محرابی چوبی ساخته بودند. روز یکشنبه بود. کشیشی آمد و عده ای هم آمدند و نشستند. کشیش شروع کرد به وعظ کردن. من مقداری گوش کردم و در کار خودم بودم. مسیحی ها نشسته بودند رو به محراب. عده ای جهانگرد هم بودند. دو زن جوان مسلمان روسری ها را از کیف درآوردند و در محراب همان مسجد به نماز ایستادند. در یک لحظه زیر یک سقف، پیروان دو دین، خدا را پرستش کردند (ص ۶۸۲).

انجام این قبیل مصاحبه ها در عصر حاضر ضرورت دارد و می تواند گسترده باشد و به عنوان منبعی بسیار صمیمی در تحقیق به کار گرفته شود (ص ۵۶۷).

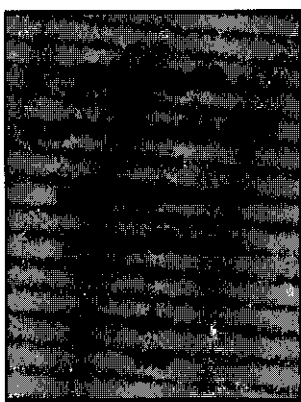
علی ادهب قفقازی

روزگار ما نیز هست، به تصحیح این کتاب دست بازده، می‌توان گفت امروز نزدیک‌ترین صورت ممکن به صورت اصلی گفته عطار در دست ماست. متد و روش تصحیح این کتاب نیز می‌تواند سرمشق تصحیحات دیگر متونی از این دست قرار گیرد. باید روزگاری را انتظار کشید که کتاب «تذکره الاولیا» هم این بخت را پیدا کند تا از چنین تصحیحی برخوردار شود.

در پایان از کم غلط بودن کتاب، حسن سلیقه در حروف چینی و زیبایی کتاب بایست یاد کرد و از انتشارات سخن و مدیر باذوق آن سپاسگزار بود که مجموعه آثار عطار را به بهترین شکل ممکن به چاپ می‌رساند.

سارا سائورسگلی

مصیبت نامه، عطار نیشابوری، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، سخن، تهران، ۱۳۸۶، ۹۵۷ ص.



گر ز گفتن راه می‌یابد کسی  
گفته من بایدت خواندن بسی  
زانکه هر بیتی که می‌بنگاشتم  
بر سر آن ماتی می‌داشتم  
در مصیبت ساختم هنگامه من  
نام این کردم «مصیبت نامه» من  
گر دلی می‌بایدت بسیار دان  
پس مصیبت نامه عطار خوان

بی‌شک یکی از برجسته‌ترین آثار عطار مصیبت نامه است. مصحح کتاب آورده است: «اگر استحکام پیرنگ سفر مرغان در منطق الطیر نبود، به آسانی می‌توانستم بگویم که شاهکار فکری و ژرف‌ترین اثر عرفانی عطار همین مصیبت نامه است».

عطار در مصیبت نامه یک سفر روحانی را به تصویر کشیده است، ولی با پیرنگی متفاوت نسبت به منطق الطیر. با این حال پس از اتمام کتاب در می‌یابیم که مقصد هر دو سفرنامه به یک نقطه ختم می‌شود، با این تفاوت که راه و مسیر هر یک راهی جدا

در این تصحیح اساس قرار گرفته خط پاکان اسفراینی مورخ ۷۳۱ است که آشفتگی و افتادگی‌های بسیار دارد. به ناچار از روش پیشین فاصله گرفته شده و گاهی مصحح ناگزیر بوده از نسخه اساس عدول کند. به همین دلیل نسخه بدل‌ها در بخشی جداگانه پیش از تعلیقات کتاب آورده شده است.

مقدمه را می‌توان از درخشان‌ترین بخش‌های کتاب دانست، چه مصحح توانسته با دلایل محکم اثبات کند که نام این کتاب الهی نامه نبوده، بلکه خسرو نامه بوده است و در یک تحول شگرف شخص یا اشخاصی هم نام این منظومه را از خسرو نامه به الهی نامه بدل کرده‌اند و هم اجزایی از بخش آغازین آن را حذف کرده و چیزهایی به جای آن برافزوده‌اند و اینکه خسرو نامه موجود (داستان گل و هرمز) هیچ ربطی به عطار ندارد و خسرو نامه‌ای که عطار در آثار خویش از آن یاد کرده، همین الهی نامه موجود است. تنها دانشمندی چون شفیعی کدکنی با چنان دقت، دریافت و اجتهاد فوق‌العاده می‌تواند به کشفی چنین دست یابد.

یکی دیگر از دلایلی که می‌تواند این نظریه مصحح را تأیید کند مثنوی روز و شب نزاری قهستانی است. نزاری در سرودن مثنوی روز و شب متأثر از عطار بوده و از او تقلید کرده است و گفته آن را به وزن خسرو نامه عطار سروده است.

تتبع کرده عطار بودم  
از آن زین شاخ برخوردار بودم  
ز خسرو نامه بهتر داستان نیست  
که خسرو نامه او گلستان نیست

مثنوی روز و شب در بحر هزج مسدس محذوف سروده شده است و الهی نامه عطار نیز در همین بحر سروده شده. پس می‌توان گفت منظور نزاری از خسرو نامه همان الهی نامه‌ای است که امروز در دست داریم (برای پیشینه این بحث نک: حکیم نزاری قهستانی، مثنوی روز و شب، به تصحیح و با مقدمه نصرالله پورجوادی، نشر نی، ۱۳۸۵ و مقاله «منظومه مناظره‌ای از نزاری قهستانی»، کریم کتابیار، آینده پژوهش، سال ۱۸، ش ۳ و ۴، مرداد و آبان ۱۳۸۶).

کتاب با گزارش کار از صفحه ۲۳ آغاز می‌شود و با مشخصات مراجع تا صفحه ۹۰۲ به پایان می‌رسد و در مجموع از بخش‌های گزارش کار، مقدمه متن، نسخه بدل‌ها، تعلیقات، فهرست‌ها و مشخصات مراجع تشکیل شده است. در صورت پیدا نشدن نسخه‌های معتبری از الهی نامه، چاپ حاضر را باید بهترین تصحیح این کتاب دانست. چون سبک شناسی بی‌مانند که بزرگ‌ترین عطارشناس

و متفاوت از دیگری است. پیرنگ اصلی داستان در مصیبت نامه بدین صورت است که قهرمان اصلی کتاب یعنی «سالک فکرت» برای حل مسئله و مشکل روحی و معرفتی خود تمام کائنات را مخاطب پرسش خود قرار می‌دهد و پس از هر پاسخ نزد پیر خود بازگشته، وضعیت را بازگو می‌کند و در هر قسمت پیر جایگاه پرسش شونده را برای سالک توضیح می‌دهد.

عطار کتاب مصیبت نامه را در چهل مقاله به نظم کشیده است، بدین صورت که کتاب را با توحید باری تعالی می‌آغازد، سپس از نعت رسول سخن می‌گوید و بعد از آن به نعت خلفای راشدین می‌پردازد و پس از نعت هر یک حکایتی نیز افزون می‌کند. از نکات درخور توجه این قسمت این است که هر کدام از این نعت‌های چهارگانه از لحاظ تعداد بیت کاملاً مساوی یکدیگرند.

بعد نعت‌هایی در باب امام حسن و حسین (ع) ذکر می‌کند و بابتی در صفت شعر و چند حکایت می‌افزاید، سپس ابیاتی به عنوان آغاز کتاب می‌آورد و با دو حکایت این بخش را پایان می‌دهد. در اینجا مقالات چهل‌گانه عطار درباره سفر سالک فکرت آغاز می‌شود، بدین صورت که پس از سوال سالک از هر کدام از این پرسش‌شوندگان و پاسخ پیر به سالک حکایت‌هایی آورده می‌شود و بعد از آن مقاله بعدی آغاز می‌شود.

این بخش با مقاله «رفتن سالک فکرت پیش جبرئیل» شروع شده و بعد از آن سالک به تمامی کائنات و عناصر اربعه و فرشتگان مقرب و عرش و انبیا و حس و خیال رجوع می‌کند. «رفتن سالک پیش روح» آخرین قسمت از مقالات است که بعد از آن عطار بابتی در خاتمه‌الکتاب می‌آورد.

مثنوی مصیبت نامه عطار در بحر رمل مسدس محذوف سروده شده است. مثنوی ۷۴۲۵+۱۰۵ بیت است. این صد و پنج بیت اخیر که در متن ابیات ۷۱۴ و ۷۱۵ قرار داشته‌اند، بنا به نظر مصحح به عنوان ملحقات به آخر متن برده شده است. مصحح فرزانه در مورد دلیل این کار گفته است: «با اینکه این ابیات در تمام نسخه‌ها وجود داشته است، هر کسی که کم‌ترین معرفتی نسبت به کار عطار داشته باشد درمی‌یابد که این ابیات کوچک‌ترین ارتباطی با جهان معنوی و هنری عطار ندارد».

از دیگر نکته‌های ظریفی که در کار تصحیح به چشم می‌خورد، در ابیات ۹۶۷-۱۰۸۶ است که به شکل سیاه تایپ شده است. مصحح با دلایل سبک‌شناسی این بخش را خارج از سبک عطار می‌داند، ضمن آنکه نکته‌ای هم در حاشیه نسخه دوم ابراهیم بن عوض مراغی وجود داشته. شفیع

کدکنی در تصحیح متن از ده نسخه کهن و معتبر بهره برده که نسخه اساس ایشان نسخه‌ای است به خط ابراهیم بن عوض مراغی که شامل مصیبت نامه، منطلق الطیر و اسرار نامه می‌باشد که کتابت آن به پایان قرن هفتم تعلق دارد و اکنون در کتابخانه موزه قونیه به شماره ۱۷۳۴ نگهداری می‌شود. شفیع کدکنی یادآور شده است که به احتمال زیاد این نسخه را برای کتابت قرائت می‌کرده‌اند و او از راه گوش کلمات را می‌گرفته و کتابت می‌کرده است. این نسخه از معتبرترین و اصیل‌ترین نسخه‌هایی است که تا به حال از منظومه‌های عطار یافت شده است.

از دیگر نسخه‌های ارزشمند مورد استفاده مصحح دانشمند، نسخه کتابخانه نافذ پاشاست که هم به دلیل کامل بودن نسخه و هم به دلیل ضبط‌های اصیل بعد از نسخه اساس از بهترین نسخه‌ها می‌باشد. بایست یادآور شد تمامی نسخه‌های مصحح دانشمند در این کار از قدیمی‌ترین نسخه‌هاست که همگی از نسخه‌های نزدیک به گفته‌های عطار می‌باشد.

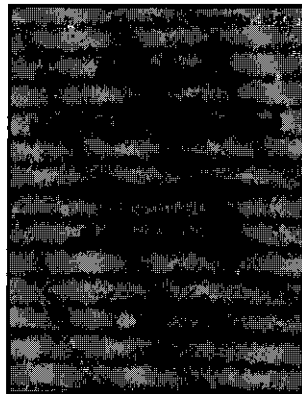
از نکته‌های ظریف و ارزشمند دیگر این کتاب می‌توان به نوع بیان نسخه بدل‌ها اشاره کرد که اختلاف آنها در قسمت تعلیقات آورده شده است. با این کار هم از آوردن نسخه بدل‌های غیر ضروری جلوگیری شده و هم خواننده در جریان و دلیل انتخاب نسخه بدل‌ها قرار می‌گیرد که این کار بسیار به فهم متن کمک می‌کند. بایست یادآوری کرد این شیوه تنها از اشخاص خاص همچون شفیع کدکنی با احاطه بی‌نظیر به ادب فارسی و با دانش سبک‌شناسی ویژه به خصوص تخصص در حوزه عطارپژوهی پذیرفتنی است و به سلامت گذر کردن از این عرصه پرخطر تنها از همجو او برمی‌آید.

از دیگر نکات درخور توجه این کتاب تعلیقات آن است که در نوع خود کم‌نظیر است. در این قسمت مصحح فرزانه به روشنگری‌های مختلفی از جمله اشاره به مآخذ حکایات، اشاره به آیه، حدیث یا اقوال گذشتگان، توضیح کلمات دشوار و اصطلاحات دست‌یازیده است. در قسمت پایانی بیشتر این توضیحات ارجاعات تکمیلی به کتب دیگر چشم‌نوازی می‌نماید.

در انتهای کتاب نیز فهرست اهلام و راهنمای تعلیقات (که بسیار کارگشا است)، کشف الایات و کتابنامه آمده که هر کدام از این قسمت‌ها بسیار پر فائده و سودمند هستند.

شهریار شاهین دژی

اسرار نامه، عطار نیشابوری، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ سوم، سخن، تهران، ۱۳۸۶، ۵۹۸ ص.



اسرار نامه تنها مثنوی از میان چهار مثنوی اصیل شیخ فریدالدین عطار نیشابوری است که «پیرنگ کلان» ندارد و در آن به سبک مثنوی های عرفانی - اخلاقی پیش از وی (مانند حدیقه سنایی و مخزن الاسرار نظامی) دسته بندی بر اساس ابواب و فصول خاص به همراه چند حکایت در هر قسمت است.

اینکه کتاب ۲۲ فصل / «مقاله» دارد یا ۲۰ مقاله چیزی است که در نسخه های مختلف اثر متفاوت است. همچنین هیچ یک از مقالات گویا از جانب خود شیخ نامی نگرفته، بلکه نامگذاری ها از کاتبان است.

کتاب با حمد الهی آغاز می شود، سپس نعت رسول اکرم (ص) است به همراه توصیفی از معراج وی و سرانجام فضیلت صحابه چهارگانه که شمار ابیات هر یک یکسان است. از این پس مقاله نخست آغاز می شود که نوعی ستایش و خطاب به انسان است الی آخر. اسرار نامه در تصحیح حاضر ۳۳۰۷ بیت دارد به همراه تعدادی بیت افزوده که به ابتکار مصحح در «ملحقات» جای گرفته است. وی درباره بخش اخیر در مقدمه توضیحی روشنگر داده که بیانگر روش کلی ایشان در برخورد با نسخه اساس و نسخه های دیگر است:

«در نسخه های ده گانه، گاه بیتی یا ابیاتی وجود دارد که فقط در یک یا دو نسخه دیده می شود و از نظر سبک شناسی و ضرورت حضور در متن هم کوچک ترین تناسبی با متن ندارد. ما بدین گونه ابیات هرگز نپرداختیم اما ابیاتی بود که در اهم اغلب نسخه ها وجود داشت، ولی در نسخه ابراهیم بن عوض [= نسخه اساس] نیامده بود. این گونه ابیات را وارد متن نکردیم و در بخش ملحقات آوردیم با یادآوری اینکه جای هر بیت یا مجموعه ابیات در متن کجاست و از چه نسخه هایی گرفته شده است» (۶۷-۶۷).

البته مشکلی که درباره محل قرار گرفتن این ملحقات وجود دارد، همین آمدن آنهاست در بخش پایانی. به نظر می رسد

خواننده ای که در ابتدا از بخش ملحقات بی خبر است به سمت ابیاتی که مثلاً باید بین بیت های ۱۵۲ و ۱۵۳ بیاید هدایت نخواهد شد. اگر این قسمت چنان که رسم بسیاری مصححان است، در پایین صفحات می آمد بهتر بود، اگر چه شاید ظرافتی هست که به ذهن حقیر نرسیده است.

تصحیح حاضر را به حق برتر از کارهای قبلی (سرآمد آنها کار مرحوم دکتر گوهرین) بایست ارزیابی کرد. نخست پیشگفتاری در حدود دو صفحه با عنوان «گزارش کار» آمده که در آن لزوم تصحیح مجدد اثر بیان شده است. پس از آن مقدمه مصحح دیده می شود شامل دو بخش کلی: «پیام روحانی عطار در اسرار نامه» و بخش دوم که حاوی مطالبی درباره ساختار کتاب و برشمردن نسخه های مورد استفاده مصحح است. متن اسرار نامه و ملحقات آن از صفحه ۸۵ - ۲۳۳ را گرفته که با اتمام آن، «تعلیقات» مصحح آغاز می شود و به دنبال آن این قسمت ها کتاب را به انتها می رساند: فهرست اعلام متن (اشخاص، اماکن و کتابها)، راهنمای تعلیقات، کشف الابیات، مشخصات مراجع (از ص ۵۷۹ - ص ۵۹۸ که در هر صفحه حدود ۲۰ منبع معرفی شده).

بعد از تصحیح کتاب - که اساس و بنیان تحقیق است - بی شک تعلیقات بسیار سودمند مصحح دانشمند اسرار نامه قابل توجه ترین و سودمندترین بخش کتاب است، تعلیقاتی که محصول سال ها غور و تفحص در تعداد بی شماری متن و سند از گذشته جامعه ایرانی - اسلامی است. استاد شفیعی کدکنی از معدود بزرگانی در تاریخ تحقیقات اسلام شناسی و ایران شناسی است که یکجا با این همه آثار سر و کار داشته و از آنها در تحقیقات خود بدون شتابزدگی سود برده است. هر سطر از این قسمت را که بنگری مطلبی هست مفید که اولاً ممکن است کشف آن نصیب هر محقق نشود، ثانیاً منابع مورد استناد آن را هر کسی ندیده یا نخوانده باشد. مصحح بزرگ اسرار نامه کتاب باز بزرگی نیز هست که بیش از توجه به کاغذ، جلد و ظاهر کتاب به محتوای آن می پردازد.

گفتنی است در تعلیقات اسرار نامه برگزیده ای از اختلاف نسخه های مهم و تأثیرگذار نیز به تفاریق آمده است، چیزی که مثلاً در اسرار التوحید یکجا و در بخشی مجزا قرار داشت و این بار به سبک تصحیح مثنوی های دیگر عطار وارد قسمت «تعلیقات» شده است.

این معرفی مختصر را با برشمردن نسخه های مورد استفاده مصحح به پایان می برم. نسخه اساس مانند تصحیح منطق الطیر و مصیبت نامه نسخه شماره ۷۳۴ موزه قونیه ترکیه است که در

در سال ۱۳۲۴ ش به نجف اشرف مهاجرت کرد و در حلقه درس آیه‌الله محمدعلی کاظمینی شرکت جست. پس از گذشت این استاد گرانمایه به مکتب آیه‌الله خویی پیوست و از ایشان به کسب اجازه اجتهاد نائل آمد.

او پس از شانزده سال اقامت در نجف اشرف به درخواست آیه‌الله میلانی به مشهد مقدس هجرت کرد و تا پایان عمر در این شهر مقدس به افاضه پرداخت. این دوره که ۳۴ سال به طول انجامید، به تحقیق و تألیف، تدریس و تربیت شاگردان، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی برای به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی سپری شد.

وی سرانجام پس از ۸۵ سال زندگی پرافتخار در روز ۱۹ بهمن ۱۳۸۴ ش مطابق با تسوعای سال ۱۴۲۷ ق به دیار باقی شتافت و در یکی از رواق‌های بارگاه مطهر رضوی به خاک سپرده شد.

این کتاب در بزرگداشت این عالم فرزانه است و به کوشش جمعی از فضلاء خراسان به چاپ رسیده است. این کتاب ۲۴ مقاله دارد که در سه بخش به سامان رسیده است: زندگانی و شخصیت آیه‌الله فلسفی، شامل چهار مقاله؛ خراسانیات، شامل سیزده مقاله در زمینه خراسان شناسی؛ مقالات دیگر، شامل هفت مقاله در زمینه اندیشه‌های قرآنی، حدیثی و فقهی.

مروری بر مقالات این مجموعه

«مروری بر زندگانی حضرت آیه‌الله میرزا علی آقا فلسفی»، اثر محمد قنبری. پس از معرفی کوتاه خاندان فلسفی و برشمردن دانشمندان این خاندان به مراحل زندگی علمی وی می‌پردازد. در پایان به روش و سبک درسی استاد اشاره می‌کند و از ویژگی‌های اخلاقی او و اهتمام وی به ترویج مسائل اعتقادی، حل مشکلات طلاب و مردم سخن می‌گوید.

«شخصیت معنوی آیه‌الله فلسفی در گفتگو با آیه‌الله سیدجعفر سیدان» که در شهریور ۱۳۸۵ ش در مکه مکرمه با حضور حجج اسلام آقایان محمدعلی مهدوی راد، رسول جعفریان، محمد مهدی معراجی و مهدی مهریزی انجام شده است.

«آیه‌الله حاج میرزا علی فلسفی» اثر شادروان علی دوانی که برگرفته از جلد سیزدهم مجموعه ارزشمند مفاخر اسلام است. «آیه‌الله فلسفی به روایت اسناد ساواک»، اثر عبدالوهاب فراتی که نشان می‌دهد تمامی حرکات، رفتارها و اعمال او زیر نظر ساواک بوده است. اسناد حاضر بر اساس تاریخ مرتب شده و توضیحات در پاورقی‌ها آمده است.

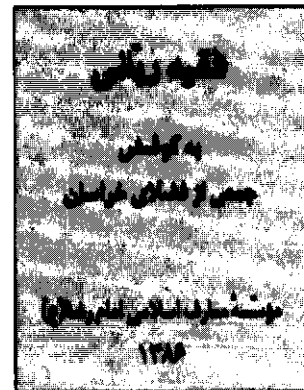
«حدیث شیعیه در خراسان عهد صادقین»، اثر مهدی غلامعلی. دوران پیشوایی امام باقر(ع) و امام صادق(ع) عصر

سده هفتم به خط ابراهیم بن عوض مراغی کتابت شده است. این نسخه که بر تمامی نه نسخه دیگر استفاده شده ترجیح دارد، به گفته مصحح کهن‌ترین، اصیل‌ترین و درست‌ترین نسخه است. نسخه‌های بعدی به ترتیب چنین است: نسخه دوم ابراهیم بن عوض مراغی (شماره ۱۷۴۱ موزه قونیه)، نسخه حالت افندی مورخ ۷۳۵ ق، نسخه کتابخانه سلطنتی سابق یا کاخ گلستان فعلی مورخ ۷۳۱ ق به خط کاتبی «شلخته» موسوم به ابوبکر بن علی بن محمد اسفراینی، نسخه کتابخانه آیه‌الله مرعشی به شماره ۱۳۹۱۲ که در سده نهم هجری (از سال ۸۷۴-۸۷۹ ق) از روی نسخه‌هایی از سده هشتم (۷۷۴ ق و ۷۸۳ ق) کتابت شده است (معرفی این نسخه در مقدمه اسرار نامه ناقص است. برای اطلاعات کامل‌تر به مقدمه مصیبت نامه و الهی نامه از سلسله تصحیح مثنوی‌های عطار مراجعه شود)، نسخه اسعد افندی مورخ ۸۱۵ ق، نسخه عاطف افندی مورخ ۸۲۸ ق، نسخه دانشگاه استانبول (که نام قدیم «اونیورسیتیه» بر آن اطلاق شده است) مورخ ۸۲۶ ق، نسخه کتابخانه ملی تبریز از سده نهم با تاریخ ۸۸۵ ق در ورق اول و سرانجام نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی مورخ ۸۹۷ ق.

کار منظومه‌های عطار (چهار مثنوی و یک مجموعه رباعیات موسوم به مختارنامه)، به تصحیح استاد شفیمی کدکنی به پایان رسیده است. حال باید چشم به اتمام تصحیح تذکره الاولیاء و احياناً دیوان عطار داشت.

جواد پشیری

فقیه ربانی، به کوشش جمعی از فضلاء خراسان، چاپ اول، مؤسسه معارف اسلامی امام رضاع، زمستان ۱۳۸۶ ش، ۹۲۶ ص.



شادروان آیه‌الله میرزا علی فلسفی (۱۲۹۹-۱۳۸۴ ش) یکی از مفاخر ایران معاصر در عرصه فقه و عرفان است. وی در تهران زاده شد. مقدمات و سطح را نزد فیلسوف الدوله، محمدحسن بروجردی، سیدمحمد قصبیر و حسین نوایی فراگرفت. آن‌گاه



معاصر به حجیت خبر واحد اعتقاد داشته و از آن سود می‌جسته است. نگارنده این مقال دلایل مخالفان و موافقان درباره حجیت خبر واحد را بررسی می‌کند و آن‌گاه به دیدگاه آخوند خراسانی در این زمینه می‌پردازد و دیدگاه‌های مطرح در کفایة الأصول را به نقد می‌کشد.

«نگاهی به ابعاد زندگی آیه‌الله میلانی»، اثر مهدی مهریزی. آیه‌الله میلانی (۱۲۷۴ - ۱۳۵۴ ش) یکی از مراجع تقلید بزرگ معاصر به شمار می‌رفت. در این مقاله به گوشه‌هایی از ابعاد شخصیت جامع وی پرداخته می‌شود: تأسیس مدارس علمی جدید با برنامه‌های آموزشی نوین، اهتمام به تبلیغ و نشر معارف اسلامی در داخل و خارج کشور، حمایت از حرکت‌های روشنفکری دینی، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، میراث مکتوب به جامانده از او در زمینه تفسیر قرآن، کلام و فقه.

«زندگی خودنوشت حسن نبوی کاشمیری»، به کوشش علی صدرایی خویی. آیه‌الله سیدحسن نبوی کاشمیری (۱۳۰۸ ق - ۱۳۶۱ ش) از دانشمندان گمنام خطه خراسان است. تنها اثر به جامانده از او کتاب فارسی نبوت خاصه یا رجوع عالم به جاهل است که در پایان آن شرح حال خویش را به نگارش درآورده است. در اینجا متن این زندگی خودنوشت به همراه توضیحات کوتاهی در پاورقی ارائه شده است.

«روش‌شناسی تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان»، اثر محمدعلی مهدوی راد. تفسیر غرائب القرآن تألیف نظام‌الدین نیشابوری از تفاسیر اهل سنت در قرن هشتم ق است که در میان مفسران عامه جایگاه ویژه‌ای یافته است. این تفسیر به دائرةالمعارف می‌ماند که جنبه‌های بسیار گوناگونی دارد. این مقال از جنبه‌های فقهی، اخلاقی، معنوی، کلامی، ادبی و بلاغی آن سخن به میان می‌آورد و به ویژگی‌ها، روش تألیف و شیوه تفسیری آن می‌پردازد. سپس موضوعاتی همچون جایگاه عقل و نقل، تناسب سوره‌ها، اسرائیلیات، اهل بیت و تأویلات را در این تفسیر پی می‌گیرد.

«معنی الفقیه، گنجینه‌ای فراموش شده»، اثر علی صدرایی خویی. سده سیزدهم دوران جان گرفتن اصولیان در برابر اخباریان و تدوین موسوعه‌های فقهی و اصولی است. معنی الفقیه تألیف مولی حسن ملقب به غنی خراسانی شرح بلندی است بر شرایع الإسلام محقق حلی و در واقع یکی از موسوعه‌های فقهی شیعه در قرن سیزدهم ق به شمار می‌رود که تاکنون ناشناخته مانده است. در این مقاله نسخه‌های باقیمانده از این کتاب بازشناسانده شده و در پایان تصویر برخی از صفحات آن ضمیمه گشته است.

طلایی انتشار علوم و معارف آل محمد (ص) قلمداد می‌شود. گسترش حدیث در این دوره به اوج خود رسید. خراسان دورترین ناحیه در جهان اسلام بود، ولی روایان بسیاری از این ناحیه رنج سفر را بر خود هموار کردند و برای استماع حدیث به مدینه شتافتند. محدثان خراسانی بیشتر به احادیث کلامی، فقهی و اخلاقی پرداختند.

«آثار محدثان شیعه خراسان»، اثر علی صدرایی خویی. خراسان پس از ورود امام رضا (ع) به یکی از پایگاه‌های مهم نشر حدیث شیعه تبدیل شد. محدثان خراسانی، بخش بزرگی از تاریخ حدیث شیعه را به خویش اختصاص داده‌اند. در این مقال، آثار حدیثی ۱۲۸ تن از محدثان خراسان و نسخه‌های خطی و چاپی آنها شناسایی شده است. در پایان مقاله نیز فهرست‌های مختلفی برای سهولت دسترسی پژوهشگران تدوین شده است.

«مکتب معارفی خراسان و تفکر فلسفی»، اثر سیدحسن اسلامی. در این نوشتار موضوع مکتب معارفی خراسان در نقد و طرد فلسفه، گزارش و دلایل و مستندات آن تحلیل می‌شود. نویسنده پس از سنجش قوت دلایل این مکتب در رویارویی با فلسفه به این نتیجه می‌رسد که دلایل آنان برای ابطال فلسفه کارآیی ندارد. در واقع ناقدان فلسفه خود به بازی فلسفی وارد شده‌اند و از موضع اصلی خود دست کشیده‌اند.

«گزارشی از دیدگاه‌های شیخ مجتبی قزوینی»، اثر علی ملکی میانجی. پس از مقدمه‌ای درباره رابطه کلام و عرفان به زندگی مرحوم قزوینی (یکی از ناقدان فلسفه و عرفان) از شاگردان نامدار و ممتاز مکتب معارفی خراسان می‌پردازد و سپس مروری دارد بر بیان الفرقان اثر او.

«کتاب‌شناسی مکتب تفکیک»، اثر هادی ریانی. خلوص‌گرایی پیشینه‌ای طولانی در تاریخ علوم اسلامی دارد، اما مکتب تفکیک روشی است که شادروان میرزا مهدی اصفهانی بنیان نهاد. از آن زمان تا کنون مدافعان و مخالفان این نظریه آثاری را در تبیین دیدگاه‌های خود به نگارش درآورده‌اند. این مقال به کتاب‌های مستقل، ویژه‌نامه‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها، آثار چاپ نشده، نسخه‌های خطی و عکسی، آثار مجازی و رجال مکتب تفکیک می‌پردازد.

«طبقات اصولیان خراسان»، اثر مهدی مهریزی. نوشتار حاضر عهده دار معرفی ۴۴ نفر از اصولیان خراسان و نگارش‌های اصولی آنان شده است. در ضمن معرفی هر اثر به شرح‌ها، ترجمه‌ها و تعلیقه‌ها نیز اشاره رفته است.

«حجیت خبر واحد از نگاه آخوند خراسانی»، اثر محمدعلی سلطانی. مرحوم آخوند خراسانی همانند بسیاری از فقهای

«گزارشی از کتاب‌شناسی‌های خراسان»، اثر سیدمحمدحسین حکیم، کتاب‌شناسی‌های خراسان به چهار عنوان محدود می‌شود. علاوه بر این کاستی که درباره دیگر شهرهای بزرگ ایران نیز دیده می‌شود، ساختار هر یک از آن کتاب‌شناسی‌ها نیز تأمل برانگیز و درخور نقد است.

«ضرورت توسعه فقه»، اثر محمدرضا حکیمی، در ضرورت توسعه فقه، سخن بر سر حیات دینی اهل دین و تقلید دینی است و نیاز آنان به فقهی روشن است که همه مسائل انسان‌نورادر برمی‌گیرد. رساله‌های عملیه حاضر با زندگی انسان معاصر چهارده فاصله دارد و گاه در همان حال و هوای جامع عبّاسی اثر شیخ بهایی سیر می‌کند. فقه ما چه قدرتی در رویارویی با حوادث فراوان و برای پوشش زندگی انسان در عصر حاضر دارد؟ اینها پرسش‌هایی است که در این مقال مطرح می‌شود.

«شمول‌پذیری معنا در قرآن»، اثر سیدمحمدعلی ابازی، مدارفهم بر کدام معنای واژگان قرآن است؟ آیا معنای واژگان در عصر نزول مطرح است یا معنایی که در ظرفیت این الفاظ نهاده شده است؟ پس دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاهی که با تفاسیر فلسفی، عرفانی، علمی و اجتماعی مخالفت می‌ورزد و بر آن است که این معانی را سلف صالح در نمی‌یافته است؛ دیدگاه دوم می‌گوید که ملاک تنها مردم عصر نزول نیست. اکنون دلایل و مبانی موافقان هر دو نظریه برشمرده می‌شود و بررسی می‌گردد.

«قلب قرآن، نگاهی به فضیلت و عظمت سوره مبارکه یس»، اثر محمد عبداللّه‌پیان. در روایتی از سوره یس به عنوان قلب قرآن یاد می‌شود و در احادیث مختلف برای قرائت آن، آثار و برکات بسیاری نقل شده است. این مقال در بخش نخست به بیان فضائل و مناقب این سوره می‌پردازد و در بخش دوم از دستورالعمل‌ها و ختوماتی سخن می‌گوید که راجع به این سوره بیان شده است.

«گوهرهای قرآنی»، اثر محمدحسن نیستانکی نایینی، به کوشش حسن پویا، شادروان محمدحسن نیستانکی نایینی (م ۱۳۱۴ ش) از دانشمندان معاصر است که آثار فراوانی از خویش به یادگار نهاده است. گوهر شب چراغ مشهورترین این آثار است که به علوم غریبه اختصاص دارد. اکنون مطالبی از این کتاب ارزشمند، بهگزین و در دو بخش عرضه شده است: بخش نخست شامل مطالبی در مباحث عام قرآنی از جمله فضیلت قرآن و حروف مقطعه؛ بخش دوم درباره دستورالعمل‌ها و ختومات مربوط به سوره‌های قرآنی.

«مکتب حدیثی فیض کاشانی»، اثر محمدصادق کاملان. بحثی است درباره مکتب حدیثی فیض و سیری در شاخصه‌های این مکتب و بیان تفاوت‌های دیدگاه فیض با اخباریان و اهل حدیث. در پایان نیز دلایلی بر اخباری بودن فیض ارائه می‌شود و دیدگاه اخباریان درباره حجیت عقل نقد و بررسی می‌شود.

«شرح بر بعض فقرات زیارت اربعین»، اثر ملاعبدالرحیم پاچناری اصفهانی، به کوشش جويا جهان بخش. مرحوم عبدالرحیم بن کرمعلی پاچناری اصفهانی از دانشمندان سده سیزدهم ق است. وی در رساله خود که نسخه خطی آن در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است، به شرح فقرات مشکله زیارت اربعین می‌پردازد. متأسفانه گرایش به تأویل و غلوآز ویژگی‌های شرح او به شمار می‌رود.

«هدف‌شناسی امام حسین (ع)»، اثر محمد اسفندیاری. به بررسی چهار دیدگاه درباره هدف از قیام امام حسین (ع) می‌پردازد و دلایل و شواهدی برای هر یک ذکر می‌شود: شهادت تکلیفی، شهادت فدیّه‌ای، شهادت سیاسی و نظریه تشکیل حکومت. نویسنده این نوشتار دیدگاه‌های اول و دوم را نقد می‌کند و آنها را مردود می‌داند.

در پایان این معرفی اجمالی ذکر چند نکته خالی از فایده نخواهد بود:

باید هماهنگی‌های بیشتری برای تدوین مقالات به عمل می‌آمد، مثلاً اطلاعات اولیه در اختیار کسانی که قرار بود حول شخصیت آیه‌الله فلسفی قلم بزنند قرار می‌گرفت تا برای نمونه تاریخ تولد او را سال ۱۳۰۰ ش ثبت نکنند (ص ۶۰).

ترجمه فارسی اصطلاحات خاص به زبان فارسی رسان نیست و لطف چندانی ندارد: قرائت قرآن به خواندن (ص ۶۸۳) و ... ویرایش کتاب به ویژه چکیده‌نویسی‌ها بازم می‌توانست بهتر از وضع موجود باشد.

چینش مقالات در هر بخش بدون رعایت هیچ اصول و ضابطه‌ای انجام گرفته است.

حجم کتاب بسیار زیاد شده است. ای کاش صحافی بهتری روی کتاب انجام می‌گرفت تا چیزی شکل‌تر از این تولید شود و مدت بیشتری هم در کتابخانه‌ها دوام بیاورد.

محمدرضازاهدوش

